

دوره هفتم ، سال اول ، شمارهٔ ۲۲ چهار شنبه ۱۸مهر۱۳۵۸-تكشماره ۱۵ ريال

آزادی ـ در کلاس درس نه، در مدرسه آری!

اخیرا وزارت آمسوزش وپسرورش بخشنامهای به مدارسفرستاده که بموجب آن، دانشآموزان و آموزگاران حقبحث سیاسی واراله نظریات ومواضع خسود را در کلاس درس ندارند. این بخشنامهبحق حيرت ومخالفت حوفاحون مواجه شد ، لا آنجا که خبرنگار صدای جمهوری اسلامی ایران، مصاحبهای با آقای محمد علی رجسالسی، کفیل وزارت آمسوزش و پرورش ترتیب داد واز او درایس باره توضيح خواست.

آقای رجائی گفت: بحث آزاد در کلاس درس ممنوع است و باید اینکونه مسائل در خارج اذ کلاس درس

مطرح شود. البته تبلیغ باآموذش سیاس تفاوت دارد. مدارس ما ، بملت آنکه دانش آمسوذان هنوز به سن قدرت انتخاب نرسیدهاند ، بایسه محل آموزش باشد.»

امام خمين

دایسن نهضت از برکتوجود شمازاغه نشینها وامثالشما.یعنی

چه دانشگاهی و چهه روحانیوچهزاغهنشینها وكاركرها بوديدك

اینطور با وحدت کلمه و بانک الله/کبر پیش بردید. آنهائی که بعداز پیشبردن شما به میدان

آمدند و يكدفعه همه

شان انقلابیشذند،آنها را ملت میشناسد. م

هـــم بسیارشان را مهشناسیم که دخالتی در

این مسائل نداشتند اینها بعضیشان یا بسا

دستگاه سابسق ساخ بودند وجيره خوارآنها بودندوضدانقلاب بودند بادرحال انقلاب، تحنار نشته بودئـد و تماشا میکردند تسا ببینند کی جلومیبرد.حالامسلمان دوآتشه شدهاند... شما طبقه جوان و

برومند زاغةنشين برآن اشخاص كاخ تشيسن

(ازسخنانامامدرديدار

أسلامي شهر فولي عصر) تحليلي ازوضع جهان(۴)

حنك

در بارهمصوباتمجلس خبرگان (۷)

بەبررسى

مواد مصوبه

قانوناساسي

ادامه ميدهيم

رفقاي حزبي!

هواداران و

دوستداران

حزب!

استادحزبي (اعلاميهها

بيانيهها و ...) منتشرهدر

حمودمه، ارگانموکزی

حزب لودة ايران، رابا

۰ بقیه درصفحه۷

در مصاحبه ای که روز ۱۰ مهر، خبر نکار صدای جمهوری اسلامی ایران بامدیر یکی از مدارس تهران بعمل آورد، نامبرده در این باده

وطبق بغشتامه وذارت آموذش وبرورش ما به گروههای مختلف اجازه بحث سیاسی در کلاس درس نخواهیم داد . دانش آموزان و آموذ كاران ميتوانند بساذ يايان ساعاتدرس مجالس بحث و سخترانی ترتیب دهند . تنها گروهی که اجازه تبلیغ سیاسی دارد ، گروه تسوحیدی است و آن از اینجهت که مذهب بقیه درصفحه ۲

متن كامل سخنان رفيق کیانہوری در کنفرانس

رفیق نورلدین کیانوری، دبیراول کمیته مرکزی حزب تسوده ایسران، در کسنفرانس مطبو ماتی روز دوشنبه گفت:

المانی المان المان المحتوای اساسی القلاب ایران، یعنی از بین بردن تسلط غار تکر اله امپریالیسم بسر کردگی امپریالیسم امریکا، در ایران، پایان دادن بدرژیم آدمکش، ساواکی وغارتگر سلطنتی دودمسان پهلوی، تامین آزادی هسای دمکرالیك برای مردم ایران وتغییراتبنیادیبرایبهبودوضعزحمتکشان با تمام نیرو پشتیبانی میکند وباتمامنیروهائی که از این هدفها پشتیبانی میکنند، صرفنظر از عقاید فلسفی و ایسدلولوژیسك آنان ، آماده

🖀 هجوم راست گرایان بـه آزادیـهای دمكراتيك خطرى استكه هنوز وجوددارد

🖿 مسئلهملی باید ازراه مسالمت آمیز و تأمین حقوق ملی خلقهای ایران حل شود

توطئه امپریالیسموصهیونیسم درخوزستان و در خلیج فارس علیه انقلاب ایران

📰 زحمتکشان باید سهم خودرا ازثروت ملی

باید قرارداد دوجانبة نظامی ایسران و امریکا وچهار موافقتنامه ضمیمه آن لغو شود

🖪 سیاست جدید دولت افغانستان به تحکیم اتحاد نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی نیروهای هوادار اسلام کمكخواهد کرد

📰 وحدت ایدئولوژیك، سیاسی و سازمانی کنونی دررهبری حزب تودهٔ آیران و تمام حزب بیسابقه است

وروش سیاسی حزب دمکرات کردستان با سیاست حزب توده ایران منطبق نبوده و نيست. حزب لودة ايران فعاليت مستقل خود را در کردستان آغاز خواهد کرد

معن كامل مصاحبه درصفحات ١٠٣٥٥

مطبوعاتي



احسان طبرى (مجموعهای آذمقالات منتشره در دمردم) ف. جوائشين امير نيك آئين امهر نيك آ ٿين مريم فيروز

(مجموعه مقالات منتشرشدمدر دمردم)

أستفاده از تمام امكانات. بوسيع لسرين شكل تكثير كنيدوبه تودهها عمردم بــرساليد . در شرايــط حساس کنونی این یك وظيفه مبرم انقلابي است

بادهقانان اخبار مختلف که گزارشگران

ازمازندران فرستادهاند، حاكى از آمستكه اخبرا دهقانان حقطلب اطراف جویبار و کیاکلا بسرای جلوگیری اززورگوئی مالکسان و سیدن به حق خود، بارها ب اجتماع وتظاهرات وراء پیمائی در

جو يباربادوجاده خاكى به قائمشهر و سابی متصل است ، زیسرا مايه داران ومالكان محلى مايلند بانكهدارى دهات دروضع اسفناك گذشته، ازورود سرمایه های غیر محلی جلوگیری کنند. پطرود، یکی ازدهات جویبار است، ومانند سایردهات درزیر ظلم مالکان و مایه داران استثمارک دست و

۔ درزمان رژیم شاہ مخلوع، عر سبادستگاہ رابطہداشت،طرحی ارائه ميداشت وبادادن رشوه کردن مبیلها، زمینهائی را میکرفت. حسین یزدانی، دارد، یکی ازاین افراد است که هشتصد حکنار (۸۰۰ حکنار) از زمينهاى بطرود راتصاحب كرده واز دولت شاه سابق مبالغ كلانى هم وام گرفته وزمینهایی را ک مشاع درتعلق دهتانان بود وآنان کوسفندان خودرا در آین زمینها میچراندند، کرفته است.

درزمان رژیم منفور پیلوی این چیزها بدیهی بود. بعداز انقلاب بزراد ما، حسین یزدانی دستگیر شد، ولی که تنها زمینها هنوز به دهقاقان بازيس داده تشده ومشكلات بزرك مردم روستا لاينحل ماقده،

از انتشارات حزب تودهٔ ایران

گفتاری درباره امهریا لیسم برخی مسائل حاد انقلاب ایران نور الدين كيا نورى اقتصادسهاسی (درسنامه) ما تريا ليسم ديا لكنهك (درسنامه _ كتاب اول) ما تريا ليسم تاريخي (درسنامه كتابدوم) (مجبوعهای اذاظهارات سیاستبداران وشخصیتهای خارجیددبار**، کشورشوراها،** دردورانیس اذ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر) حزب توده ایران وقانون|ساسی جمهوری|سلامی|یران گردآور ندهم،ف

حق بادهقانان است

هشعار طالقالی، شوراهای دهقائی، ایجاد باید گردد». نزدیك طهر، در میدان طالقانی (شاه سایق)

بانصد نفر در تظاهراتی شرکت

کردند وروی شعار های پارچهای

مطالبى دردفاعازشوراهاى دهقانم

واحترام بحقوق زحمتكشان,وستا

نوشته بودند. اینها از روستاهای

اطراف كياكلابودندوعليه فثودالها

تظاهر میکر دند. درجلوی فر مانداری

دو کروه از دهقانان همزنجبر ان

خودرا دیدند ومشاهده کردند که

چه خواستهای مشترکی در زمینه

منافع واحد طبقاتی آئیارا به هم متصل میکند وهمه آنها از زورگوئی و استثمار مالك رنسج

ميبرند. اين كروه ديكر (يك

چهارمشان زن بودند) در جلوی

داد گستری روی زمین نشستند و

خواستار حضور یکی از مقامات

بودند.ولی کسی نمی آمد. دهقانان

ميكفتند:اكررئيس فيستمعاونش،

اگر نیست کارمندش، اگرنیست

لمى آيد! بالاخره دادستان كه تازه

بشهر آمده بیرون آمدوچون اظهار بیاطلاعی ازاوضاع کرد، دهنانان

قطعنامه اىراكه امضاكرده بودند

باودادند وگفتند: ماحالا میرویم

ومهلت ميدهيم تابكارما رسيدكي

كنيد. اگر نكرديد، ديكرنگوئيد

كه ماتقصيرداريم. اين روستائيان

میگفتند: ده تا ارباب یك هــزار

هکتار (۱۰۰۰ هکتار) زمیـن در

چنگشان است. اغلب ازرباخواری

به زمینداری رسیدهاند، یعنی در

زمان شاه سابق بدهقانان قرض ميدادند وجون دهقانان بعدا

قىدرت پىرداخت امسىل ئىزول

رانداشتند، این ها زمینهایشان را

ميكرفتند. حالادهقانان ميخواهند

همان زمینهائی که مال خودشان

مود به آنها بازگردانده شود .

تعجب آور اینکه، درسابق دولت

از اربابها حمایت میکرد وحالاهم دهقانان میگویند که کمیت و

مقامات دولتی باز از ارباب هما

حمایت میکند. حتی واحد همای

مسلج بدهات برای سرکوب و

خاموش كردن دهقانان فسرستاده

میشود وآنها تیر هوائی خالی

كياسر از جمله ايـن دهقانان

مردمیکه ناظر این جریانات بودند، میگفتند: آیا مستضعف تی

ازاین دهقانان هم هست؛ چسرا

همجنان مالك بايد مورد حمايت

باشد؛ مگر این مردم انقلاب نکردهاند ودراین انقلاب جای آقایان مالکان کجا بود؛ چگونه

سئلة حق دهقانان به زمين و

جلو کیری از بسره کشی وستمکری،

باداشتن هزار هکتار و هشتمند

درلحظه حساس، دهقانان حامي

انقلابند واربابان عامل ضدانقلاب.

جریانات قائمشهر بار دیگر نشان دادکه واگذاری کلیه زمین ها

خود دهقانان وأيجاد تعاونيهاى

آنان و بریدن چنگال غارتگس

أربابان أزحان دهات ودهقانان يك

ضرورت حاد است. دهقانان بي ـ

مین و کمزمین حق دارند از

انقلاب ومقامات محلى بخواهند

كه بخاطر تحكيم انقلاب وأنجام

برنامه هاى دولت وتامين توليد

شتر وبازدهى بالاثر، زمينها

آلمها داده شود و تعاونی های

امه داده صود و تعاولی های واقعی، باکمك دولت، ایبجادگردد. دهقانان حق دارند که حمایت. برخی مقامات محلی رااز اربابان برخی مقامات محلی رااز اربابان صحار زورگوی آنان محکوم

مکتار جور درمی آید؟

ميكنند. دهقانان سيد محل

تخدمش بيايد. چراكسي بيرون

بقیه ازصفحه ۱ بلکه شهرت دارد که یزدانی، با نوصیه مقامی در کمیته، شیخ حاج آقانظری، آزاد گردیده است ، که ایس دیگر درنظام جدید حمهوری بدیهی نیست. کشاورزان زحمتکش بطرود

زمینهای خودرا میخواهند، ولی مالك غارتكر باكمك افرادخانوادماى بنام رحیمی ها، که بفول خود دهقانان نقش ژاندارم رادرده بازی ميكنند، حق روستائيان راپايمال ميكند. اينها جماقداران سالك هستند. دهقانان رامیزنند وتهدید

درشب ۲۴ شهریور، عدمای از این قلدران چماق بدست مزدور یزدانی به پطرود آمدند، ولی دهقانان باهمكارى وهشيارى خود توانستند آنهارا تاصبح در خانهای محاصره کنند و سپس بــدست كمته بدهند.

درروز ۲۵ شهر يورنيز دهقانان ازساعت ده صبح جلوی فر مانداری اجتماع كردند ودفع شر مالك و عمال اورا طلب نمودند. به آنها كفته شدكه بدادكاه انقلاب بروند. دهقانان به آنجا رفتند. بازبرس دادكاه كفتكه اين كارها بمن ربط ندارد، جمعیتحق خود رامیخواست وبرضد مالك شعار ميداد. بالاخره چندنغر از نمايندكان دهقانان باشيخ قنبرى ملاقات كردند وخواستهاى خودرا که، زندگی درمحیط. امن وقطع يورشها وتهديد هاى چمـاق . دستان واز همه مهمتر دریافت مینهایشان است، بازگوکردند. فردای آنروز یکی از اعضاء دادگاه انقلاب گفت که دستور جلب حسین یزدانس را صادر میکنیم وقرار شد مجددا پرونده ابن مالك زوركودرجريان كذاشته

نيمى ازدهقانان كه درتظاهرات، بنمایندگی از جانب روستائیان پطرود شرکت کرده بودند، زن بودند. اغلبشان هم ازمیانسالها و سالخورد كان بودند.

دهقانان مردم رابا خواستهای فودآشناميكردند وعملاهمبستكي آنهارا ميطلبيدند. آنهاميكفتند که یزدانی یکهزار جریب زمین دارد واز بزرگترین اربابان منطقه جویبار وکیاکلاست وبخشی از زمینهای کنار دریارا هم گرفت. است. آنها میگفتند ماتامین جانی نداریم. هاشمی وهمچنین خالق و رحيم وحيدر وهاشم ومناف رحيمي بما حمله میکنند. باوجود آنكه خودمان اينهارا دستكير كرده وتحويل كميته دادهايم لى بيهانه نبودن شكايت(!) آنها راآزاد کردهاند.

چماقدازان،پساز آزادی،دوباره بسروقت دهقانان رفتند و آسوده زهرگونه مجازاتی، با پشتگرمی مالكوافرادى در كميته، آنان را بباد كتك گرفتند. دهنانان مى گفتند: چرا رمه را بینکهبان سكذارند وكركها آزادندا جرا ینهمه دهقان شاکی به حساب مى آيدا آيامادهقانان نبايددرعمل می بین رژیم طاغوتی و نظام جمهوری را، که برایش مبارزه کردهایم، ببینیه تاکی مالاباید بتواند زور گوئی کند وزمینهای ما رابگیره تاکی باید اعمال نفوذ کند و در مقامات. مسئول حرفش پیش بسرودا منزه حمایت از مفین وطرد مستکبرین را ما

کی خواهیم چشید؟ بنا بگفته شهود عینی، ضمن این سخنان بامردم، دهقانان شعار میدادند و فریاد میزدند:

چەخبر؟ كارخاندآبكىدە، دافيدىشور خارج بوده است.

شیشه درروز داشت، در حالهکهدر آلان توليدي، همين حدودتوليد آن در به ترینش ایط بسر میبر دند. انجام بمداز سهماء مبلغ ناچهزى آ نهم به عنوان پاداش، به آ نهاداده شد.

منصور باسینی، مدیر عامل شرکت وصاحبآن، حتی ازدادن امتناع مهورزيد و رفتسار بسهار ناشایست وبدی داشت و عوامل بسیاری دادر کارخانه گماردهبود، قبلیکارگران نیز، کهمدت ۶سال به آنان تحميل شده بود، مدافع سرسخت كارفرما بود.

وعلاقه زيادىمشغول فعالميتأست كار ثحت فشار بوده است.

اكنون نمام تاسيسات، مثل تابلوهای برق، ماشینها و دیگر وسائل تعمير شده تابعد از انمام كار كوره، هرچەزودتر توليدشروعشود. مدیر عامل جدید کارخانه نهزمورد اعتماد کارگران است و أزنظر امكانات رفاهى كمكهاى

فراوانی کرده است.

تعمين وضع مالكيت و حل آن بسود دهقانان، تصفیه در کمیته ها، نباشند، توجه بخواستهای حیاتی زارعين ازمبر مترين وظايف مقامات دولتى أست. بايدجانب زحمنكشان ، وستارا گرفت. باید زمینها رابه آنها داد. باید کمك ووام به آنها داد. باید ثمرات مستقیم انقلاب رابزحمتکشان نشان داد. اینست آن راه سازندهای که بنفع تحکیم انقلاب است ودولت باید به آن برود نه بیراههٔ حمایت ازمالکان که ستمکرند وغارتگر، فاسدند و که منتمکرند وعارتگر، فاسدند و فاسد کننده و هبیشه آماده اقده برای برای خدمت بضدانقلاب بسرای بازگرداندن وضعی شبیه نظام منفود گذشته .

ازشيشه آبكينه

صنعتی، تولید کننده شیشه جام و جر است. کاربازسازی کوره و دیکر قسمتهای آن ازسال گذشته شروع شدموايتك روبه اتماماست، كه البته عقب افتدادن بسادسازى مربوط بهنرسیدن آچر نسوز از

بمداد پیروزی انقلاب و زمزمه ملی شدن کارخـانجات، کارگران آینواحد تےولیدی بسا پشتکار وهمت زیادی شروع بـکار کردند و نشان دادند که کارگر ایرانی درصورت داشتن داکرمی، بدون کمك کارگر و متخصص خارجي، ميتواند همان كاررابهتر

درزمانهکه باسینی مدیر عامل این کارخانه و خود یکی از سها مداران آنبود (سهام دار دیکر، بانك توسعه صنعتی بود.) کار گران این كادخانه بدترين وضع را داشتند. این کارخانه با ۲۰۰۰ کارگر.در آغاز، تولیدی کمتر از ۹۰ تـن دوسال گذشته، با ۳۰۰ کارگر و باوجودفرسوده شدن كورهوماشين داشت. اما از نظر مادی کار کران سال قبل حتى ميخو استند به كار كر ان اضافه حقوق سالانه ندهند وسر

لباس کار و کفش ایمنی به کار گران كه فعلا همه آنها فراريند. نماينده

در شرکت تعاونی کارخانه، از طرف هیئت مدیره قبلی سود. جوثیهای فراوانی مهند، ولّی هیئت مدیرهٔ فعلی، کهازطرفخود كاركران انتخاب شده است، باشور نماینده فعلی آنها نیز از طبرف کارگران، بااکثریت آراءانتخاب شده، ویکی از کارگرانیست کهاز زمان رژیم پهلوی مبارزهمهکرده وهميشه اذطرف كارفرما و اداره

بنحوى كه عامل وهمكار اربابان

به خواستهای کارگران ایران دوچرخ رسیدگی کنید

نتيجه آن روشن نشد.

درششم وحفتم تهرماه ، کارگران پیبردند که به دلیس شورای کار کری دوهز ارتومان اضافه حقوق دادهاند تا پساز آن ، طرف کادفرما دا بگیرد. کادگران به کمیته اطلاع دادند. معاون كمهته آمد وشورا را منحل كرد. پساذ آن کارگران خواستهای خمودرا بشرح زير مطرح كردند.

١ ــ روشنشدن وضع كسانىكه حيف وميل

٢ ــ تمويض مدير عامل كارخانه.

۳۔ انتخاب ہیئتی برای درکت تماونے

۴_ تشکیل شورای تازه و پرداخت سودوير، واضافه حقوق عقبماند، آنان

اما این خواستها، بجز اضافه حقوق، هنوز عمل نشده است.

در حالیکه پاکسازی کارخانه از عناصسر ضدانقلابی امری بسیار ضروریاست و خواست همه کارگراناست.معلوم نیستچرا در بر آوردن خواستهای کارگران ایران دوچرخ کوتاهی میشود. آیا هنوز همباید افراد فاسد وسودجو و مديرعامل كارخانه برسركار باشده اگرنه، پستملل جهممنائی دارد؛ آیا این فرصت دادن به ضدانقلاب نیست که همچنان به خرابکاری و کار۔ شکنی خود ادامه دهدا کمیته شهر صنعتی، کسه تاکنون همواره در جهت خواستهای کارگران قدم برداشته واز حمايت آنان برخورداراست ، ميتواند وبايدقاطمانه دراين مورد تصميمبكيرد وباد ديكر اطمهنان كادكر اندا بهخودجلبكنه.

آزادی.درکلاس درس نه در مدرسه آری

رسمی کشور وایدئولوژی حاکم، اسلام است .ه

کارخانه ایران دوجرخ ، که در حدود

۱۲۰۰ نفر کارگر دارد. از کسارخانه ها نیست

که ملی نشده و موتور باهاها تسولید مهکدد.

بعداذ بیروزی انقلاب ، کارگران ، بدستور

رهبری انقلاب امام خمینی، فوراً بسر کارخود

باذ كشتندواولين شوراى خودرا انتخاب نمودند.

پساز مدئی کارگران ایسن شودا را منحل و

دادای وضمی بمراتب بدتراذ کارمندانند. مثلا

به کارمند، حتی اگر مجردهم باشد، خسانه و

اطاق میدهند، ولی به کارگری که ۷ سرعائله

دارد، حتى بك خانه دواطاقهم نميدهند. كارگران

درحین مبارزات خود دریافتندکـه دو نفر از

اعضای شرکت تعاونی در برنج کارگران حیف

مول کردهاند. اذا کارگران دستازکار کشیدند

و در رستوران جمع شدند تـا وضع روشن شود.

كاركران مسئله را باشورا درميان كذاشتندوبه

اطاق رئوس حسابدارى رفتند وعكسشاه خائر

وژنش را، که وی زیر میز چسبانده بود، بیرور

کشیدند. از طرف کمیته شهر صنعتی ماهــوری

آمد تا به این وضع رسیدگی کند. بعداد بررسی

دفترها واسناد شركت تداوني، معلوم شدكه صد

وپنجاههزار تومانحیف ومیل ده است. کارگران

به کمیته امام درشهر صنعتی شکایت کردند که

کارگران این کارخانه هنوز که هنوزاست

شورای دیگری را جایگزین آن کردند.

متاسفانه برخی از ایسن استدلالات ، از مسئولان رژیم پیشین ، در منبیدانش آموزان و دانشجویان بهدخالت در سیاست ، بماریت گرفته شده است. آنها هم استدلال میکردند که کلاس درس جای آموختن و فراگهری است و دانش آموزانودا نشجويان درمحيط تحصيل حقدخالت در سیاست دا ندارند . اما مردم از مساولان جمهوری اسلامی توقع ندارندکه برگردؤپیشین

چگونه میتوان دانش آموزان را فاقد قدرت انتخاب نامهد و باین بهانه آنتان رااز بحث سیاسی در کلاس درس بازداشت، درحا لیکه هدوذ بهش اذ هفت ماه اذ انقلاب شكوهمند مردمایران نگذشته است، انقلابی که دانش آموزان ما، با آنهمه آگاهی و شور و جسارت درآن شرکت جستنه و با دادن خرون وشهید اثبات كردند كه قدرت انتخاب دارند ؟ همين نوجـوانـان وجـوانان بـودند که بـن سِن دوراهی انتخاب و در لعظه تصمیم ، جمهوری اسلامی وامام خمینی را انتخاب کردندورژیسم خائن سلطنتی را در کورستان تاریخ مدفون ساختند. آیا این حد اعلای رشد سیاسی و حد اعلاى قدرت انتخاب نبودا

چكونه مهتوان بجنهن جوائان ونوجواناني گفت که به کلاسهای درس بازکر دید، چشم خود را بروی آنجه در اطراف خیود مهینید و میشتوید، ببندید، پرسشها را درکلو خامــوش كنهدا ذيرا شما فاقد قدرت انتخابيدا

خوشبختانه انقلاب ايران، تودههاىمردمو بویژه نوجوانان وجوانان ما را از نظر رشد سیاسی، دهها سال بجلو برد . آنها در کوره انقلاب آموختند که سهاست چیزی جدا از زندگی نیست. بلکه خود زندگی است وبرای آنکه این زندگی را شایسته انسانها بسازند ، باید آنرا بشناسند، دربارهآن نظر و مسوضع معین داشته باشند و در ساختمان آن سهم خود

جگونه میتوان به آموزگار تاریخ گفت که در کلاس درس تاریخ بیاموز ، بی آنکه در باره سازندگان واقعی تاریخ ونقش حیات آفسرین آنان به نو باد گان میهن ما توضیح دهی؛ و دانش آموزان گفت که تاریخ بهاموزید، بی آنکه سازندگان واقمی تاریخ را بشناسید و درباره نقش كنونى وآيند، آنان كفتكوكنيدا

اگر قبولداشته باشیم که سیاست خودزندگی است، آنوقت نمیتوان زندگی را در کلاسهای درس از کودکان و نوجوانان دریے داشت و پیکرهائی خاموش وبی تفاوت را بیپرسش، بر روی نیمکتهای کلاس نشاند و همه چیزرا به اعات پساذبایان درس روزانه موکول داشت، که نازه معلوم نیست در آن ساعات هم چه تامین وتضميني براىدانش آموزان وآموز كاران براى طرح آزادانه پرسشهای خود وشرکت آزادانه در مباحثه سیاسی وجود دارد.

منع دانش آموذان و آموذ کاران ازبحث در بازه مسائل سیاسی در کلانهای درس، گناهی فأبخشودني استكه باافتظاراتمردم اذمسعولان دولت موقت جمهوری اسلامی منافات دارد ، و نا بخشود نی تر از آن ، اجازه فعالیت سیاسی به كروه معين و قائسل شدن تبعيض آشكار بين سازمانهاو گروههای سیاسی است، که معلوم نیست مسئولان وذارت آموذش و پرورش آنرا چگونه توجیه میکنند؛ و اگر این تبعیض نثبیت شود ، در آنصورت چگونه میتوان از دانتخاب، سخن

کلاس درس نه تنها محل فراگیری دانشرو فن، بلكه محل طرح وبحث مسائل كوناكـون سیاسی واید او لوژیك است ، که هم اکنون در جامعه ما مطرج است. کلاس درس مناسب ترین محل برای طرح عقاید و آراء مختلف وبسالا بردن آگاهی سیاسی دانش آموزان است. نبایداز طرح آراء ومواضع مخالف حراس داشت، زيرا آنجه مسلماست، سرانجام آن موضع سهاسيوآن ايدالولوزى درجاممه بيروزخواهد شدكه بهترين پاسخ را برای حل مسائل سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی وفرهنگی کشور داشته باشد.

سخنان رفیق نورالدین کیانوری، دبیراول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنفرانس مطبوعاتی

حزب توده ایران آزادانه و بطور قانونی فعالیت میکند ولى ايسن آزادى فعاليت، هنوز درتمام نقاط كشور تأمين شده نيست

صبح دوشنبه، ع ۱مهرماه ۱۳۵۸، درمحل دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، یك کنفرانس مطبوعاتی باحضورخبر نگاران روزنامههای داخلی وخبرگز اربهای خارجی تشکیل شد. رفیق نودالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از ابراز تشکر از حاضران، به پرسشهای خبر نگاران درباره مسائل گوناگون اوضاع کشور باسخ گفت ومواضع حزب توده ایران بهپرسشهای خبرنگاران درباره مسائل گونا گون اوصاع بسورپاسح بعث رمواصع حرب بودن.یران را تشریح کرد، متن کامل سخنان رفیق کیانوری در این کنفرانس مطبوعاتی، در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

رفیق کهانوری درمورد آزادی فعالیت حرزب تبود؛

ها تطور که دوستان مهدانند، ما پسازیك وقفه چند منهای، که یك دوران پرتلاطم و بحراتی از زندگسی بعد از انتلاب مادا در برمیگیرد، دومرتبه فعالمت علی حزب دا آغاز انتلاب مادا در برمه کیرد، دو مرتبه قعالیت علنی حزب دا آغاز کردیم. خوشحال هستیم که در این دور ان همه نیر و های داستین طرفداد انقلاب ایر آن به این مسئله توجه کردند که تعمیماتی که دادستان سابق انقلاب مر کل در باره حزب توده ایر آن و بنعوص روزنامه مردم گرفته بود، یکلی بی یا به و فادرست بوده در دا از دری نظریات خاس کر و ههای منصوص که در مراجم مینی از قدرت قرار گرفته بودند، ایس تعمیمات اتخاذ شده برد، پس از بررس دقیق و همه جانبه و علیر فم تمام کوششی که کردههای منصوصی میکردند برای اینکه جلوی این تعمیم کرفته شود، بالاخره رهبری انقلاب تعمیم کرفت هنتاندام. را به خود، بالآخره رحبری انقلاب تسمیم گرفت که به نقاشای اما برای فعالیت آزاد حزب توده ایران پاسخ عثبت دهد . البته این آغاز کار است و اینطور نیست که ما بتوانیم در سراس ابران ازهمان آزادی محدودی که در تهسران موجود است استفاده کنیم. در شهرستانها وضع اصلا اینطور نیست. در آنجا نقریا محدودیتها بشکل سابق خودش موجود است و با تفاوت بستی دارد به مقامات محملی، بعنی جاها خشونت آمهسز است، مدودیتها باقی است. در بسیاری از شهرها کلوبهای حسرب معدودیتها باقی است. در بسیاری از شهرها کلوبهای حسرب است، مثلا در تیریزخانه حزب دا گرفته الله دو باره فتواند وجیرا بسه یکی است، مثلا در تیریزخانه حزب دا گرفته الله وجیرا بسه یکی در احد داده اداده داده الله نا ما دو باره فتوانیم از آنجا استفاده کنیم ، رمیری انقلاب تصمیم گرفت که به تقاضای ربینیچاها کلوبهای حزب را سوزانده وهیه چهزرا از بین ردهاند و در بیشیجاها، به تناسب اعتدال مقامات معلی، جاو نهرى تردهاند و با اینحه معدودیتهای بوجود اورده اند. ما كوش خواهیم كرد كه فعالیت حزب دا در سر ناس ایران بطرنی ببریم كه در همه جا بتوانیم از قانونیت حزب، كهاكتون محرز شده است وابدرادی به آن نیست، استفاده كنیم وفعالیت آزاد حزب دا نمیم دهیم، البته كمك مطبوعات ایران به ما یسه و حرب ما مدای ما دا بسه و روم ایر آن رسائداند،

عیفا، تشکر میکنیم ، ایسن وظیفه دمکرانیك همه طرفداران

آذادی است و امیدوادیسه کسه در میارد و آینده ما برای بسط

امول دمکسراسی و بسط انقلاب ، بساز هم از همین پشتیها نی

مطبوعات، که امکان انتشار علی دارند، برخوردار باشیه.

عدوت کنونی هم از دوستان مطبوعاتی برای آنست که

نظ باز، حدید با بسید میداد در است دادد در است در است که

رو کا درگر تلاشها برای ایجاد جمه وسیمتری از همه نهروهای راستین هوادار انقلاب ایران، از راه مطبوعاتی که امکان انتشاردارند، بهاطلاع مردم ایران برسد. این در حقهقت باز هم درخواست کمکی است از مطبوعات.

حزب توده ایران از محتوی اساسي انقلاب ايران با تمام نيرو بشتيباني ميكند

رفیق کهانوری درمورد پشتیبانی حزب توده ایران از معتوی اساسی انقلاب ایرانگفت،

«دان سلوعاتی خودمان انجام دادی، گفتند، حزب ها با تمام المالمانی انجام دادی، گفتند، حزب ها با تمام المالمانی ایران، که چهار اصلی وچهار عنص در آن القلاب کبیرایران، که چهار اصلی وچهار عنص در آن اجهار عنص الحود دارد، با تمام ایرو بشتیبانی می کند، این چهار عنص المالمانی انقلاب ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ایران عارب بودند از از بین بردن تسلط المالی ی درجامه ایران در پیش گرفته، حزب ما با تحلیل خودش، داشت علمیخودش از اوضاع ایران به این نترجه رسیده است ریتمار عصرمه تقدید. باهم برداشتن که اذ گواط فلسفیم، و دگولولیك نسبت به مسائل دادند، همکاری کنیم، و برای همین طورهم پیشتهاد جبه معتحد خلق داکردیم کسه در شعاره دوم وزنامه مر دممتتشرشده. ما يك بر نامه دقيق اقتصادى و اجتماعى

پیشنهادکردیم برایاینکه بتوانسمورد توافق همه قرار گهرد. مااین برنامدرا ازرویخیال خودمان تنظیم نکردیم. بلکه با تحلیلکلمه نظریات گروههای مختلف اجتماعی که در ایران تعدین تعیه نصریات ترویجی محسف اجمعی می دو در بیران برای انقلاب فعالمیت میکردند به این نتیجه رسیدیم که واقعاً این برنامه میتواند در حدمتوسلمورد پذیرش همه این کروهها قرار گیرد، اذخواداران انقلاب ایران که زیر رحبری امام خمیش، زبریرجم ایدئولوژی مذهبی مبارزه می کردند تاحزب نسود. ایرانکه طرفدارسوسالیسم علمی(ست ودرچارحوب جهان بینی طبقهٔ کادکر بهمسائل نگاهمهکند و برداشت اجتماعیش از این جهتاست مامنتقد هستهم که این برنامه چیسزی نیست کـه هوادادانداستینانقلاب ایران بتوانند روی آن بــا یکدیگر معالفت بکنند. ماخوشوقتهم ازاینکه تابحال هم ازهیه طرف کردهاید، اشتباه آمیز است، عیب دارد، کم است، زیاد است و غیره... بلکه اگر ما به تمام روزنامه های مختلف نیگاه کنیم مثل خطقرمزي اينخواستهائي كهمادراين برنامه تنظيم كردمايم حودمان داواهما طرفدا رانفلامهدانند، مفترك است. حتى آنهائهكه مامدتقديم ظاهر سازى مى كنند، نهبتوانند چيـرزى فير اذاين برنامه دارا للادعند و بكويند كه اين برنامه دادرس است واينجاغلط استوبايد غيراذاين كردمكر آنهائهكه چهان افراطى مسئلدراميكي ند، كمامدتقديم آنهاانقلاب اير الدرمرحله كنوني دا ددست درك نكردهاند، البتهاكر با حسن نيت باشند. آنهائهكه بدون حسن نيتاند وشمارهاى افراطى مهدهند براى تحریك و تهیچ، آن.مسئله دیگری است وما بجای خود آنرا مورد بحث قرارمیدهیم.

مودد بعث فرادمهدهم...
این محتوای انقلاب ما ، این چهادعنس که گفتهم، اولش
عبادت است از مبادر مضدامهر بالهشتی، این مهاد زمشد امهر بالهستی
یمتی دیشه کن کردن بساط امهر بالهسم، با یددونما م آن جاهائی
باشد که امهر بالهسم دیشه های اصلی خودش دادوانده است. اگر
این مبارزه بطور همه جانبه علی امهر بالهسم نشود، این میسارزه
نافس دمیرو باشد، در آخرین تحلیل خطرناك است ومهتواند به مرمیوب بست. در احرین استون معدول طون الدر میتواند به شکست منجر شود. این پایدهای اصلی امیریالیسم در ایران عبارت بودنداز، اول ، ارتش دوم نقت، سوم مجموعه اقتصاد وابسته به امیریا لیسم وجهارم فرهنگما، فرهنگی کسه بمننای کامل و ابسته بوده، اگرمبارز، شدامیریا لیستی در این چهار میدان باهماهنگی ودریك جبهه عمومی پیش نرود، دچار نقائص بسیاری جدی خواهدشد و این خطرناك است.

مامعتقدیم که در این زمهنه، دولت انقلاب دراینجاد آنجا، اقداماتمؤ نری انجامداده، اقداما تی که چشمگیر. بدهست. اینها دستاوردهای بزرك انقلاب ماست که الان ما بــه آن افتخار میکنیم. ولی نقائمی جدی در اینجا و آنجا وجود داشته ودارد که پیشرفت کار انقلاب داکند کرده و کندمیکند. داسته ودارد نه پیشرفت در انعرب را نشد کرد. و نامه بشد. و این جلوگیری میکند از اینکه ما بتوانیم از این جنبش عظیم انقلابی، که در دنیا اینقدر احترام پیداکسرده است، بزرگترین بهرهگیری رادرکو ناه ترین مدن بکنیم. این آنجائی است که، بادشگاه رهبری دولت جدا اختلاف نظر داریس،

است به بادهشده رخبری دولت اقدامسات هده جا نیم ترین یمنی معتقد هشتیم کسه میبایسد اقدامسات هده جا نیمتسر چیگورتر، سربعتر وقاطیتر انجام بگیرد و بعضد انتلاب امکان داده نشود برای اینکه بتواند از کوتاهیها، نقائس، اشتباهات وعدم هیگیریها استفاده بکند و نیروهائسی را دور خسدودش تجهیز بکند، آ نیمیزیکه ماامروز شاهدش هستیم که شدانلاب میتواند چنمینکاری را انجام دهد ودر جاهای مختلف انجام

پیشرفت ۱۱۱۷ به ایران را شد شادد. این را بهجاومیله انجست. مهدیا بوسیله انواع واقسام تعریکات. میدان بزرك تعریکات میریا لیسم یکی عبارت بود از دستگاه دولتی، یعنی کشه کردن مردم وراین زمیدها، که مامی بینیم سوم که پاکسسله فول آداده است، مسئله ملی است، محرومیتهای ملی در دوران طاغــوت است. در این سهمیدان است که ماممقتقدیم که، بملت کو تاهی

وفقدان قاطعیت دستگاه حاکمه کنونی و دولت، امهر بــالیسم

ببينم كهدر زمينه كمكارى اينقدر اين مسئله حاد شده است مامیبیتم کدر زمینه کمکاری اینقدر این مسئله حاد شده است که رهبری انقلاب مرتبا بایستی اعلامیه بدهد، رهبود بدهد و حدید و رهبری انقلاب مرتبا بایستی اعلامیه بدهد، رهبود بدهد و حتی تهدیدی انقلاب مرتبا بایستی اعلامیه بدهد، رهبود بدهد یاخر ایکاری میکنند از اجرای تسمیمات یاخر ایکاری میکنند از اجرای تسمیمات تسفیه وسیع در دستگاه در این اینگله در ایرای منافیح خودش ساخته بود. برای تسلل امیریالهسم ساخته بود. برای خاوش میریالهسم ساخته بود. برای خاوش امیریالهسم ساخته بود. برای امیریالهسم ساخته بود برای امیریالهسم ساخته بود برای امیریالهسم ساخته بود برای خودش ساخته بود میریالهسم ساخته بود میریالهسم ساخته بود برای خودش امیریالهسم ساخته بود برای خودش امیریالهسم ساخته بود برای خودش امیریالهسم برا ایستکه افراد بیایک من بدیرم و تو بمیری عوش نمیشود. با اینکه افراد بیایت بگویندکه ما طرفدار احتال خلق هستیم وطرفدار ذرحمتکشان هستیم که ماهیت اکثر بتاین خلق هستیم که ماهیت اکثر بتاین خلق هستیم که ماهیت اکثر بتاین جمهوری اسلامی هستیم وطرفدار نظام توحیدی هستیمو طرفدار خلق هستیم وطرفدار ذحمکشان هستیم که ماهیت اکتریتاین افراد عوض فمیشود. بسیاری از این افراد، از پست مدیر کل ورئیس اداده ورئیس دایره، با تغییر شکل و با عوض کردن قیافه و حتی بقول یکی از دهران دینی، با گذاشتن ریش و گرفتن یك تسبیح شده اند طرفدار اسلام وخیلی هم پرحرارتیر از حسلمین واقعی! ولی اینها درجهت نادرست عمل میکنند . پس تعفیه واقعی دستگاه دولتی یکی از حربهای انقلابی در و بعقیده ما دولت انقلابی دراین زمینه خیلی کمکرای میکرد. و بعقیده ما دولت انقلابی دراین زمینه خیلی کمکرای میکرد. که انجام میگیرد، زیاده رویهای فوق العاده نادرستی همانجام میگیرد . تصفیه اکنون به این شکل نمیشود که جه کسانی اکنون دشمن انقلابندو باید بروندوجه کسانی هوادار انقلاب اند دولتی ایران را اداره مهکند ، ضردهای فوق الماده زیادی معتواند ببار بیاورد . دستگاه دولتی از بخشی از کاررهای فنی با ارزش که طرف دار انقسلاب اند ، ولی دارای جمهان بهنی دیگری همتند، طرز تفکر دیگ دارند وحتی مسلمان هستند، ولی آنطور که فتریون میخواهند دارند وحتی مسلمان عند، محروم خواهد شد. درفقرکادر علمی و فنیک، ما در ایران یعنی یا گکتور وابسته داریم، محروم شدن از این قشر شرد جبران ناپذیری است که بکلی میتواندکار سازندگیراور ایران فلج کند. مادراین قسمتهم بادولت و باقدرت حاکمه جدا ایران فلج شده. هادر ایرن فسمتهم بادر ان و باقدرت حاکمه جدا اختلاف نظر داریم و ایشرا در بها نهمه ا و تاهمهای سرکتاوه خودمان و در بانه به این تر تیب به غودمان و در برانه و در این به این تر تیب به عقد دما کار مبارزه با امیر با لیس، کار تعفیه دو لتی، کارریته کن کردن یا یه های اقتصادی آمیر یا لیسم در تمام زمینه ها یشی در تمام اقتصاد، در تجارت خارجی، در تولید اجتماعی، در نقت، در امنام این اختیامی کردن با یکیری بیشتری مناسفانه باید، کولیم که در تمام این قصیها انجام میکرفت، ولی متاسفانه باید، کولیم که در تمام این قصیها در در دران در مدر جنبه های متبتی داشته است در دراد نمد، سر بست دالان نتاله تران انتجام شده بینه های متبتی داشته است در دارد نمد، است دالان نتاله تا ادار ولی از پیگیری لازمبر خورداد نبوده استرماالان نقائس آنرا مهبینیم. نمونهاش عبادت ازخمین مسئلهای است که درنشتهش آمد وسیاست آفسای نزیه سیاست آفسای نزیه از اول مورد انتقادما بود. درنفت: سیاست عدم تغییر دروابستگس، نفت بـ امهریالیسم اجرا میشد وریشه کن کردن همه تسلط امهریالی مطرح نبود ومسئله بسهبن بستى رسيده است كه ماالان شاهدش

درمسئله ارتش، ما اظهارات دوران اخیر راکه درباره تسفیه ارتش بطور وسیم از ردرهای بالا بهردرهای پائین، در شرف انجام است، باخشودی استقبال کردیم ولی، منتظر حستیم که درعدار این گفته بادافسیت تطبیق کند، چسون اگر در عمل تطبیق نکند واگر بازه و در آ نجاه، مسئله تصفیه به صورتی انجام بسگیرد که گروههای خاصیاز افسران، کهدارای ویژگیهای ایداولولریك ــ فكری ممینی نیستند، ولی طرفدار دی انقلاب ایران هستند ، تصفیه شوند ، وطاغوتهها و هواداران سهاست امریكا ووابسته های آن با تغییر شكل خودشان و بسادم ذون از اسلام. بجای خودشان باقی بمانند، این درست نیست و زیان. بخش است،

هجوم راست گرایان به آزادیهای دمگراتیك خطری است که هنوز وجود دارد

رفیق کیا نوری درمورد حجوم راست گرایان به آذادی.

در مسئله آزادیهای دمکرائیك با کمال تساسف بنیسد بگوئیم که به کار دولت ودادستانی انقلاب ومقاماتی که فسدرت را در دست دارند، ایرادات زیادی وارد است. تاقیل از حوادث کردستان ما به روند کلی تامین آزادیهای دمکسرائیساک در مسئله آزادیهای دمکراتیك با کمال تامف بایسد

ایران، ایراد اساسی واصولی نداشتیم ومعتقدبودیم کهمطابق همان تمهدات کلی که هبرانقلاب،قبل و بنداز انقلاب کرده بودو وعدهای که دربار، تامین آذادی فکسر، نوشتس، بهسان، مهنوانند بردارند. ما خهلیعلافهند هستیمکه کسانهکه بــــ آذادی!یران، به آینده!نقلاب!یرانعلاقهمنداند،!یننظریانها که خیلی با دفت بیان کرده ایم، مخوانند، ما آماده هستید درباره هرقسمت از این بهانیه با هر گروه و هر دسته ای تفسیلی کنیم، ما معتقدیم که در ایر آن یك حمله جدی از ما کردههای راست برای محدود کردن آزادیهای ایران آغاز شده. این حمله قبل ازحوادث کردستان شروع شدهبود. حوادن کردستان این حمله را به یك مرحله عبلی تازهای انداخت و کردن روزنامهها آنهم نه تنها روزنامهمالی که انقلاب استکه اینها ضدانقلاب هستند یا باضدانقلاب وابستگ باهی ازدهرسا به مجرد انداه گذت از اعدام شدگان جرمش ایسن بسود که وقت اعدامش میکردند، فرباد میزد ، زنده بادحزب تودهایران بكنده وى گفته است كه من (آذر نوش) عضو حزب ایران هستم و سیاستم هم دفاع از انقلاب اسلامی است وبه هم افتخار میکنم وبعدگلوله را هـم کــه خورده. فریاد ار این خواوت به حد اعلای متحالف دشی بهر مبر داری کردند. خوشبختانه رهبری انقلاب در لحظه حساس به عواف فوق الداده خطر ناك جنین گرایشی پی برد و مقاومت عدومی كه در مقابل این گرایش ایجاد شد، همدر مطابوعات مسوجود و هم افکار عدومی جلوی ایسن حمله و حشها نه عناصر افراطی راست را گرفت و فملاً آنراً کندکرده است. ولی به نظر ما این خطر بههیچوجه در جامه ما از بین نرفته استاین خطر به ممنای کامل خود وجود دارد.ذیرا عناصر[فکری، اجتماعیو عینیاش وجود دارد. عوامل خودتی دابا داخل این تروههای افراطی داست میفرسند
و کوشش میکند اینها را تجهیز و تحریك کند، نا به اقدامات
تحریك آمیز دست بزنند وهر چه ممکن است با این اقدامات
خطرناك شرایط اجتماعی را حادثر بکنند وامکان کوشی عقلانی
را برای حل مسائل انقلاب تشکتر کنند یا اصلا غیر ممکش
بکنند، یا اصلا هرج ومرج را هرجهممکن است توسعه بدهند.
در اینجا بعقید، ما عوامل راست تا آنجا پیش رفتند که بدستور
در اینجا بعقید، ما عوامل راست تا آنجا پیش رفتند که بدستور دراینجا بعفوده ما عوامل راست ۱۱ تنجاییتی رفتند به بدستور داشد کری دادشتان سابق انقلاب تهران، آقای آذری قبی، کلوب مرکزی حزب توده ایران دا، کسه هیچ دلیلی علیانی وجود نداشته، مهروموم کردند، به این ترتیب توقیف دوزنامهمردم، با چلی گیری از فعالی حزب توده ایران توام شد، بدون اینکه هیچ دای قسانسونسی در بادهان وجود داشته باشد، اینکه هیچ دای قسانسونسی در بادهان وجود داشته باشد، حدم وهیچ احتفاری، (۱۰۵۰ نفوب حزب خوم بیران رانستان کنید، به این ترتیب، ما اینرا بهعنوان هجوم عناصر راست ، که در هیئت حاکمه نفوذ کاملی داشتند وعیل میکردنس ، تلثی کردیم و بهمین جهت هم اذهبان روز اول سیدای اعتراض خودمان را بلند کردیم وجون این اعتراضما خیلی بحق بود ،و شه ودعورای ایمارب این مستده مقال عند و بدوبری انقلاب
کشهده شد و بالاخره این معدودیت از کار حزب با برداشته شد
ما از این جریان خوشوقیم و آنر آنه قلط به این عنوان نگاه
میکنیم که معدودیت از حزب توده ایران برداشته شده، بلکه
به این عنوان نگاه میکنیم که محدودیت فعالیت علی از حزب
توده ایران برداشته شده ، یعنی حزبی که دارای موضعگیری معهن، مشخص و بدون تزلزل سياسي واجتماعياست.

ما پیشنهاد دوشنی کردیم. ما پیشنهاد کسردیم ک های تولیدی_ آنهائی که ملیشده ودراختماردولت

كرفته نشدهاست. قسمت قابل توجهي اذسنايع هنوز بكار تيفتاده، هنوز راه اصلی که این منایع با چه هدفی بکار بهفتند، به سود کارگران وزحمتکشان بکاربهافتد، بسود خلقهای ایران به کار بهافتند با نهـ هتوزاین راء را دولت بهدا نکسرده و بهشتهار

واعدهای نولیدی انهایی به منگیده و دراعتهار دورت و از گرفتاند، دراختهار گروههای مشخص انتخاب شد، از طرف کارگران و مهندسین وکارکنان اقصادی این واحدها، که مورد اعتماد هستند، قرار بگیرند، اینها با اختهارات کامل، بسسا استفاده از کمك هالی که دولت به آنها میکند، با استفاده

از مديريت دولت، كه حسق دادوايسنمديريت را داشته

باشد، با تمام ابتکارات خود، دربراه انداختن این واحدهای تولیدیکاربکنند. ما عقیده داریمکه ایتراه یکا نه راه است و

برای ایتکار حتی حاضر هستیم نمونه هائی دا دولت به ما بدهد،

تاً ما نشان بدهیم که این آمکان دارد. یعنی دولت یک واحــد تولیدی بزدك دراغتیارما بكذارد، ما آنرا، با همهن شرایط که گفتیم حاضرهستیم اداره کنیم. واما در مسئله بهبود زندگی

د حمتكشان، يك حداقلى حتما ضرورى است. متأسفاته اطلاع

بهداكرديمكه تصميم و پيشنهاد وذارتكار در مورد بالابردن حداقل دستمزد، با مقاومت فوق الماده شديدى درهيمتوزيران

روبرو شده، وحتیممکن بودهاست که از آن جلوگیری بشود و

تأیید هیئت دولت هم قرارگرفته، دومرتبه درآن تجدید نظر بشود. وما اینرا فوقالداد، خطرناك میدانیم، برای آن صلح اجتماعی که لازم است، برای پیشبرد اهداف انقلاب این عمل

کارگران را نارانیخواهد کرد واین عدم رضایت باز امسکان

زیادی به شدانقلاب خواهد داد برای ایجاد تحریکات مختلف برای مختل کردن امر پیشرفت انقلاب ایران و بازسانیجامیه

وأزاينجهت استكه ما نظرخود را دراين مورد وخطر ناك بودن

تجدید نظردرباره اینحداقل دستورد را بـ اطـلاع مقامات

دولتي رسائديم وفكرمهكتيم كه مطبوعات هم در اين زميته بايد

نمام ممتىكوش بزنك باشند ونكذارندكه جنهناشتباه

هرقدرهم که از روی حسن ایت باشد و یا پشتوانه آن دلائل ظاهر: فریب مالی و اقتصادی باشد انجام بگیرد، که خطر زیادی خواهد داشت. اینها بود مسائل کلی که درباره آن

وزهم خطرآن هستكه اين پيشتهاد وزارتكارسكه مسورد

دنباله سخنان رفیق کیانوری در کنفرانس مطبوعاتی

بمنوان یك پدیده مثبت در تحسول انقلابی دوران اخور نگاه میکنیم، زیرا فعالیت حزبما و برنامه ای كسه برای انقلاب پیشتهاد مهكنیم نتوانسته است مورد ایراد قرار بگهردكه این بضرد انقلاب ايران است. اذاين نظرما خيلي خوشحال هستيمو آمیدواریسم کسه ایسن مقدمسه همکاری وسمیتری مسابین تمام نیروهای هوادار راستین انقلابایران قرار گیرد. مسا آنقدر خوشبین نیستیم که جبهه متحدخلق همین فردا یا پس فردا باچهار ماهدیگر بطورعلنی تشکیل شود. ولی مافکر میکنیم جبهه متحد خلق گاهی اوقات میتواند درعمل بوجود آمد اشد، بدون اینکه روی کافذ آمده باشد، بدون اینکه اعلامشده باشد. درعمل نیروهای اصیل انقلابی دریك كشور مهتواننددر يكجهت عمل بكتند وعبده عمل آنها در جهت اصلى مورد توافقشان باشد. ما بدون اینکه صینه بر ادری راهم بطور رسمی درمعاض خوانده باشيم، برادريم.

مسئلهملي بايد ازراه مسالمت آميز وتأمين حقوق ملى خلقهاي ايران حل شود

رفیق کها نوری درمورد مسئله ملی، و ازجمله مسئله

کردستان، گفت: آنچه مالان فکر میکنیم اینستکه انقلاب ایرانبود یك مرحله فوق الماده حساس خودش قرارگرفته است. در این مرحله گره های خیلی سختی وجوددادد که این گرهها با اقدام وفعالیت دستجمی ومتحد نیروهای انقلاب، نیروهای راستهن هوادار انقلاب می تواند حل شود. یکی از گر وهای مه عبار تست ازمسائل ملی ووضعی که در کردستان و در خونستان بوجود آمده، وهما نطور که ما در بیا نهه کمیته مرکسزی بیان کرده ایم، بمهدنیست کهدر بلوچستان ودر جاهای دیگری هم منا اهملی مطرحاست، بوجود آید. ازهمان آغاز، در یکی از موادبر نامه ما برای تشکیلجبهه متحدخلق، که پسالز انقلاب بلافاصله مطرح کردیم، ما به مشاه ملی وستدی که برای اقلمتهای للىغهرفارس وجودداشت توجه داديم واهمهت حلاين مسئلهرا برمهناى قلانى، احترام متقابل خلقها به مديكر ودرجارجوب خودگردانی متذ کرشدیم لفت خرودمختاری راکه بعضی آلرژی دارند، میخواهیم عونش کنیم و بگذاریمخودگردانی. کهازطرف آقای فروهر، رهبرحزب ملت ایر ان استعمال شدمونا آنجاکه ماههدانیم شاید همقبلا دوستان دیگری آنریج استعمال كردهاند. ماحاضريم آنرا بهديريم. ولي درهرحال به اصل ستله بایدتوجه کردنه به کلمه. درجارجوب خودگردانی، پعنی حقتمهین سرنوشت درزمینه فرهنگی، در زمینه اداره متطقسه فود، در چارچوب مرکز پندولتی، در چارچوب تمامیت کاملرو بدون خدشه ارشی ایران، در چارچوب وحدت ملی ایسران. این حقــوق باید به آین اقلمتها داده بشود. باید به آنها اجازه داده بشود که از زبان ملیشان، از آداب ورسم ملی و بچروه واده پستود که ر ربای میمنان از ادام واحم مهی و ازرین گههای ملیشان بتوانند بطور مداوی با نمام خلفهای دایکل ایران بهره بردادی کنند . این مشکل را آینال. دایش که ما با تاثر و تاسف فندانش راهمیشه بهیاد میاوریم، درهمان ابتدا، با آن برخورد فوقالماده انسانی که داشت،خوب درك كرد . وخوب فهمید که این مسئله یك ملیاست، باشدخی است که صدها سال استوجود دارد. خلق کرد الان درست ۹ - ۱ سال است که دارد برای این خواستها می جنگد، خسون می دهد.

رده از این دخم را می باید النهام داد. باید راه حلی پهده ا این خصومت و ردشتی تبدیل بشود بدوستی خلفها، اتحاد داوطلها ته خلقهایی که باهرزندگی میکنند. این رادر ا ماهمان اول پیشنهاد کردیم. متاسفانه فلط بخشی از ترهرسری انقلاب این داد را درك کرد، کوشش کرد، تلاش کرد، ولسی ظاهرا، نهفلط ندای ما به جاشی نرسید، بلکسه حستی نسدای رهبر این چون طالقانی ودیگران هم نتوانست تاثیر قاطسه در دهر این مساله بکند ومتاسفانه وضعی پیش آمده است کهالان مهیپنیه، مسئله کرد حل نشده، حل نظامی مسئله ناحسالا ده ساد قبرستان در کردستان ایجاد کرده است، و نه فقسط در ارامس فهرستان و دودها اجتماع مراه و ما مدان من می است کردستان ایر آن، بلکه در کردستان ترکیه، در کردستان عراق در در حرج ایمکه مساله ملی مطرح بوده است. آرامش کورستان می شود برقراد کرد، بوسیله را کنوفاکتوم و تانك و توپ، بوسیله قال عام زن و بچه در قارناها و جاهای دیگر، ولی مسأله اساسی اجتماعی کدد آنجا مطرح است، اینطور حل شدنی نیست. این ل باتفاهم بين خلفها قابل است. تاريخ تمام دنها اين مساله وا البتكرده است . نهيكبار، نهدوبار، صدبار، هزاربار ثابت كرده است. اينست كه ما دراين مساله با تمام وزنهسماسی الرهبه ميطلبهم كه باين مساله توجه بكنند واز هيهروزنامه مهندواهیم که برای حل مسالدت آمیز وعادلاته مساله کردستان بهیك كره مهم در راه بیشرفت تمام جنبش انقلابسی ما تبديل شده واكر حل نشود بنقاط ديكر هم سر ايت خواهد كرده والان هم کرده، در خوزستان شروع شده است، بافشاری کنند. وضد انقلاب از این جریان فوق الماده مهتواند استفاده بکند. براى أيجادنحريكات درآنجا بخش بزركي اذكادرش را متوجه این نقاط کرده است. خدانقلاب میخواهد مسردم را بها ندازد توی حادثه جولی، توی کارهای نادرست نظساهسی و بهاسی، برای آنکه بتواند از آب کسل آلسود ماهسی شفع خودش بگیرد و جمهوریاسلامی ایراندا، قدرشمرکزی راً، که دُور راههای مثبت باید قدم پردارد، وادار کندبهایشکه پولیکه بایدبرای بهبودو شیخ حمصکشان ایران مصرف شوددوبازه بمصرف تا ناک و توپ ساخت آمریکا برسد. یعنی بسافراد خریسد اسلحه دوباره با اینطور چهزها کرم خواهد شد. مامعتقدهمهم که با تبام قوا باید برای بهداکردن رادخل سیاس ـ اجتماعی برایکردستان. خوذستان. ترکمن صحرا. آذربایجان و سایر مناطق. که درآنجا نین این مساله میکن است شدروع بشود. تلاش کرد. باید درجهارچوب قانون اساس حقوقی را تسامین کردکه باین خلقها امید بدهد کهبرای خواستهای حقسه شان

كوش شنوا هست. در عدل بايستى باقدمهاى معبت اينخواسها

برآورده شود. باید اینوضع کنونی، که وضع تشدید دشمنسی وخصم مردود افزونی است، تنهیر بکند، باهی کردی در کردستان که بخون بیشته و باهر پاسداری که از اصفهان به کردستان برود و در آنجاکشته شود، خاتوادهای بزرك در خصدومت آشتسی تناید بر باید از این بسرادد کشی، بهدر شکل که هست، جلوگیری شود. باید بهندانقلاب ما به هبه مطبوعات و گروهای ساس، گلاش همه حالفد، این استندای ما به همه مطبوعات و گروههای سهاسی، کلاش همه جانبه بوای پیداکودن و آدخل سیاسی، ماخوب میدانیم که خد انقلاب در کردستان بخصوص نقش فوقالماده موفری بازی کرده و از ابتدا هم نیروی خودرا در آنجا متمرکز کرده است، بسرای که دردوران سایق، دوران رضاخان در ایران می کردهاند،در دوران طولانی در تر کیه می کرد،اند، در دوران طولانی در عراق مهكر ده اند، براى كرفتن حق خودشان، يك مساله تاريخي است. بهمین دلیل هم آمیر یالیسه بایالیز با نها ، بازاحدیها ، باعد بزیادی از عناصر وابسته خودش در کردستان، اذحمان آخاذ شزوع کرد ر سیست مومی در فردستان اطهان اطار موقع درد بهفالیت برای آنش افزوزی کردن، متأسفا نه دحیر انقلاب از میان آغاز نتوانست خلق کردرا، بادادن پلصلسله وعدیدسیای میلی،وعدوهائی که آنها مطمئن شوند، بطرف پشتیهائی کامل ازانقلاب وهماهنگ باتمام انقلاب بکشاند، این بساعث شسده ادامتار وهماهنگی بانیام انطاب بشتاند، این باعث شده است که شد انقلاب در آنجا امکان نفوذ وفعالیت پیدا بکنسد، لائن وضع بنر نجی در کردستان بهدا شده، زیر دیگر اصلاقیا فه شدانقلاب را باین آسانی نمی توان پیدا کرد که در کجا دارد عمل می کند. همه چیز باهم مخلوط شده. واقعیت ایست که میدانیم که عدر زیادی از افسران گارد در آنجا دارند عمل می کنند. معلوم نیست این پاسداری که شب کشته می شود، بدست کی کشته مرشودا ساواکی است که اور ا می کشد یا کرد واقعی منعم ت، يا نما ينده يا ليز بان ويا اصلا عامل خارجي است كه اين كارها أنجام ميدهدا معلوم نيست. بهمين دليل مامعتقد حستوم هرها البعام میدهدا مندوع بیست، بهمین درین مصحفه که درمساله کردستان، بارا حل سهاسی، باید جبهه هارا فوری ازهم جدا کرد، خلق کرد را جدا کرد از شد افغلاب، چون اگر به خلق کرد برای خواستهای حتمان اظمینان داده فود، او بلافاصله آزشه انقلاب جدا خواهد شد وعناصر خدانقلاب تنها خواهند ماند. آنوقت آنها را می شود شناسائی کرد، میشود عقیم گذاشت، میشود از بینشان برد، این بیشنهاد ماست وما حاضر هستهم دراین راهم عملا وارد فدالیت بشویم. همانطور که در بیا نه کمهنه مرکزی حزب درباره مسئله کردستان اعلام کردیم پیشنهاد ما اینست، آنش بس فوری از دوطرف و خاتمه دادن به معاکمه های صدر الی و داد گاههای انقلاب در کردستان و کوشش برای آفاد مذاکره با مردم کردستان، با مهاردان کرد، برای پیداکردنداه حل عقلانی برای کردستان

توطئه اميرياليسم وصهيونيسم در خوزستان و در خلیج فارس علیه انقلاب ايران

رفیق کیانوری در مــورد توطئههای امهریـــا لیسم و صهیونیسم در خوزستان ودر خیلج فارس علیه انقلاب ایران گفت :

مسئله دیگری که هست ، مساله خوزستان است که الانشروعشده. این مسئله بدونشك مربوط است به تلاشهالی که الان در خلیج علمه انقلاب ایران انجام میکیرد . تردیدی ا دن در حقیج عقیه انفلاب ایران انجام میخود . شرویدی نیست کهدرکشورهای دیگر عربی خلیج اکثرارلزیمهای وابسته به امپریالیسم حکومت میکنند و در مرکز آنها عربستای سوری ومبان قراردارند، که دوبایگاه اصلی امپریالیسم در منطقه جنوبی خیلج هستند. واز آن دورتر، رؤیم سادات که الان تبديل شده ا-ت بهزاندادم دوم بجاى حكومت سلطنتى محمدرشای مخلوع. حالا سادات رل اورا بعهده گرفته است و کوشش میکند که با همکاری با اسرالیل پشت این جبهه از خلیج را بنفع امهریا لیسم نقویت بکند. حتی دیگر تهدیسد میکنند بهاقدامات مستقیم درکارخلیج. هدف امهریالیسم کاملا مشخص است. امهر یا لیسمی که از انقلاب ایران زخم خورده و خطر ایدرا میبهند که جنبش انقلابی ایران بهمایر کشورهای امهر بالسم زده، کتورهای وابسه نفتخون عربی، که برای امهر بالیسم نفتشان اهمیت حیاتی دادد سرایت کند. لذا قابسل فهم است که امهر بالیسم کوشش میکند که از نفوذ انقلاب ایران در آنجا جلوگیری کند و با تمام قوا در آنجا پایگاهها الی درست بکند برای مکس العمل ، برای تضیف انقلاب ایران ناحدی که انقلاب ایران را با شکست روبرو بکند ومواضع گفشته خودش را بدست بهاورد. از اینجهت استکسه سهاست گفشته خودش را بدست بهاورد. از اینجهت استکسه سهاست دولمت در مساله خلیجومساله خوذستان بایک مساله فوق.العادم برائع سياس واظامی واجتماعی روبرو است . اينرا مطعی گرفتن وتسور اينکه درخوندمان باجند تا خرابکلا وجندتا افراطی سروکار دادیم ، اشتباه بزرگی است. اين يك حساله بنرنجی است. يسك نقشه خيلی وسيع امهر بالهسم امسريکا و سهيونيسم، با تمام دسميار انشان درمنطقه، درشرف تکوين است واين نقشه آنها در باين آماني ها، با خوش و بش با اين سلطان ویا آن امیر، نمیشود خنگ کرد. مباوزه با این نقشدا، در موجوع مبارزه انتلاب ایران با امهربالیسم باید طرحسریزی کرد واین لازمهائی اتحاد تمام نیروها در داخل ایران، تجمع تمام نیروها، هدفگیری صحیح ، تنظیم نقشه میادر؛ صحیح و نمام نیروها، هدفگیری صحیح ، تنظیم نقشه مبارزهٔ صحیح و استفاده از نمام امکاناتجهانی در مبارزه علیه امیر یا لیسم است. در اینجاست که ما به سیاست مقاماتی در رهبری انقسالاب و دو لتنسبت بهجهتگیریهای نادرمتی که درمساللدیگری، مثل مسأله افغانستان وغیره، در پیش گرفته الله ، بایستی اشار برای آینده طولانی، نا وقتی که امیریا با مهم وجود دارد، برای ایران امیریا لیسم وجود دارد، برای ایران امیریا لیسم با نمام ایروی خسودش همسایه ماست درخیلی کشورهای عربی خلیج، با نمام تجربه های خودش در افها نوس هند، همیشه ما را نهدید به میکند، امیریا لیسم در منطقه خلیج، حساسترین ضربه دا میتواند در نمام زند کیش بخورد، یادمان نرود که ۳ درصد صنایع امریکا، ۸۴۴ درصد

صنایع ژاپن، بیش از ۸۰ درصد صنایع اروپای غربی وابسته هستند به نفت خلیج، وابسته به ۱۳ تا ۱۶ هنته بد، ه نفت خلیج، یعنی اکی نفت خلیج قطع بشود ، درحدود ۸۰ درصد صنایع اروپا وژاپن میخوابد، یعنی این خلیج برای امیر بالرسم شریان حیاتی است. برای همین است که هرگز در ابتجا فشارش برای از بین بردن هرخطری کم نخواهدشد، انقلاب ایران یکی از بزدگترین خطرها برای آن است. آقای کارش و آقای و دس بشده که در برداد ها برای آن است. آقای کارش و آقای و دس کند در که در در انتخاب ایران یکی مرقددهم که در مهمانی ها سلام علیك بكنند ، هرقدرهم اعلامیه صادر بکشند، کهماانقلاب شهارا خیمیدید. اعلامیه آنان درستعمل تعلق شاهاست که گفت انقلاب ایر ان از کشار من در نشده است ومن جمیدوا ، ومن شبارا درك كردوام ومن قبول كردوام و بعد، ۱۹ شهرپور را براه انداخت. یعنی امپریالیسم باتمامنیروی فودش درکمین این هست که دراولین فرصت ضربه مهلکی به حودی در دیون این حست به دراوین فرصت سر به مهدی به انقلاب ایران وارد کند و بسرای همینه دشن اصلی انقلاب ایرانست، عدم توجه به این، یعنی پاشاشیاه بزراه پایاکخها نت بزرك بهانقلاب ایران، اشتباه بزرك برای آنکه نقهند، و به این توجه نکنند وسی بکنند که انقلاب ایراندا به جهشدیگری بدهند. ماشاهد این هستیم که در بعضی از روزنامه های ترایش بشکست. ما، روزنامههانی که طرفدارا نقلاب اسلامی مستند، درشعارههای متوالی، علیه امریکا یك کلمه نبوده و تمسیام معدفش افنانستان بود. کهخودش برای بهرون آوردن مردم خودش(زبدیختهها، دارد میجنگند وتلاش میکند. آیا جبهه اسلی انقلابما علمه افغانستان است ا آیا این درست است؛ آیسا این اشتباء بزرگ هواداران انقلاب ایران نیست که دشمن اصلی پادشان برود و چهت تمام میارده دا برگردانند بطرف یا شمقاً لف، یک گیسی که اوهم علیه امهریا ایسم داره میارده میکند منتها بایک جهان پیشردیکری، با نظریات دیگری، با برداشت دیگری؛ باین جهت بانب محافل خاص در اجتماع ایران انجام میگیرد، بکلی نادرست، خطر ناگ برای انقلاب ایران، درجهت تضیف حواضع

دورمت، مسموده برای به سرب پیران دربیه مستهدوست نقلاب ایران میدانیم. بهروژی شد انقلاب در افنا نستان، که رمبریش بدست کسانی است که در دستگاه سلطنی وجهن بودهاند

ساله بارها اينرا تاكودكردوايم ومعتقد همتيم كعمامهبايستي

ممانه بارها ایترا از دو درورو و همتند سدیم مصمیهایشی نهام کوشش خودمان را علیه دهبن اصلی متوجه کنیم، دشتی که به بیشترین شکل مارا تهدید میکند، یمنی امیریا لیسم امریکاو صهیونیسم ــ و حالاکه مصرهم بآنها اضافه شده است ــ باضافه عمال آنها در کشورهای خلیج، مانباید نیروی خودماندایشی

كنيم درجهات مختلفي كه جبهه ما وشربههاى مارا عليه دشمن

اسلی تضمیف بکند. ماخوشوقتهم که بازهم در اعلامهه های اخیر

اسلی تضیف بخدد، ماخوتوونی نه بارهم در اعلامهای احید رجین انقلاب، امام خبینی، این جهت گیری اسلی، کـه دشین اسلیما همان امریکا واسر اثبال است، باروشی و بدون خبیجگونه ابهامی تاکید و تایید شده است. ماخواستان آذهه گروههای هوادار انقلاب همین است که درهمین جهت گیری اصلی و با تمام تـا کیدی کـه امام میکند، واقعا سیاست خودشان را تعلیق

باید قرارداد دوجانبه نظامی ایران وامريكا وجهار موافقتنامه ضميمه آنلغوشود

رفیق کیانوری درمورد سیاست خارجی وچکولکی تامین استقلال ایران گفت:

ت خارجی یکی ازعده قرین بخشهای تامین استقلال

سیاست خارجی یکی از عدد قرین بختسهای تا بین استقلال یک کشور فقط باسیاست خارجی تا مین است. البته استقلال به کشور فقط باسیاست خارجی تا مین استقلال اقتصادی، نظامی، فرهنگی وسیاسی، که البته استقلال اتصادی، نظامی، فرهنگی وسیاسی، که البته استقلال است. درزمینه سیاسی اقداماتی انجام گرفته، ولی هنوز نمی- توانیم بکوئیم که این اقدامات کامل ابست. از اظهارات آقای دکتر یزدی، که همین دیروز دربیوبورگ گردهاند، ما با خوشوقی استقلال کردیم، روزنامه مردم امروزهم شاهد این است که ایشان اعلام کردهاند کتام قرارداد هائی که با ساحت که ایشان اعلام کردهاند که تمام قرارداد هائی که با کشده دافتی سنت که ایشان اعلام کردهاند که ساحت فرارداد هائی که با است که ایشان اجرم سروهای که هام سراواد الله ی میشود.

البته این گفته بسیار خوبی است. ولی این گفته، تعلقی میشود.

دریك مركز اسلامی نیویورك. این مسئله باید بدیك اظهاریه

رمسی دولت ایران بدیل شود. آنوقت ارزش سیاسی قطهر

دارد. یعنی دولت ایران بایستی رسمااعلام كند كه این قراردادها چه بوره و آیااین فراردادها الان لتوشده است یانه چون آنندر که مامیدانیم، درفرارداد دوجانبه ایران واسریکا، چهار توافقانمه خیلی خطرناك هم به آن ضمیمه است: توافق نامه نظامی بین ایران وامریکا، توافقنامه دفاعی بین ایران وامریکا،

معامی بین ایران وادریاه مواهی بد دستی بین ایران وارایه توافقاله توافقاله استفاده از ستشاران امریکائی درایران وتوافقاله کمکهای مسلح، یعنی خرید اسلحه ایران ازامریکا. این چهار توافقاله، که خود هر کدام قرارداد خیلی مفصلی است که منتشر نشده، هنوز لغو نشدهاند. لغو رسم این قرارداد وتوافقاله ها یک عمل رسمی دولتی است نه یک این طرارد (فوعی اسلامی دریاک شهر امریکا. به سخنرانی دریاک مجمع عمومی اسلامی دریاک شهر امریکا. به این جهت است که ماهنوز بااصرار انتظار داریم که قرارداد این جدر اسال خودش واین ٤ شوافقانه بخصوص در دوجانبه، دراسل خودش واین ٤ شوافقانه بخصوص در توافقنامه دیگر همصت که اهمیت اینهادا ندارد. ملنی اعلام کردد. باینجهت است که درزمینه سهاس ما معقدیسم اکس این اقدام افجام بگیرد، آنوقت مسئله اینکه دولت ایسان استقلال سیاسی خودرا تامین کرده ودرجرگه کشور های برطرف وارد شده وتعبد دیکری ندارد (تعبدانی باکشورهای برطری فراد کنند و میشود. مابالطهارای که درهمین دوره انجام امپریالیستی) حل میشود. مابالطهارای که درهمین دوره انجام وتفسینهای که آلها دادند، امیدوار هستیم که درآینده نزدیك این مسئله دیگر قطعی بشود.

این ستنه دیش هنمی بدود. این امیدماست. ولی بازهم از مطبوعات و گروههای سیاس میخواهیم تاوقتی که این مسئله حل نشده، بخواب لروند و برای اینکه این مسئله حل شود، فشار بیاورند. زیرا ما میدانیم که واقعا نیروهایی هستند دردستگاه سیاست ایران ودردستگاه که واقعا بیروهای هشتند دردستگاه سیاست ایران ودردستگاه اداری ایران که باشام قوا، باشکرهای فوقالعاده موذیانه، حتی عصمیمات رجبری انقلاب ودولت راختنی میکنند. مثلا ماشاهه این هستیم که درست درهمین روزهائی که روزنامه جمهوری اسلامی از توطئه عظیم اجبریالیستی وصهپولیستی درخلیج علیه ایران وانقبالاب ایران پرده برداری میکند، در وزارت خارجه میخترانی اجبام گرفته که در آن یك کلمه درباره تهدید ایران از طرف اجبریالیسم وصهپولیسم گفته نشده، بلکه در قام این از طرف ازطرف امهر پالیسم وصهیونیسم گفته نشده، بلکه در تمام این منخرانی گفته شده است که ایران ازطرف افغانستان و شوروی عهدید میشود. شوروی عهدید میشود.

زحمتكشان بايد سهم خود را از ثروت ملی بدستآورند

رفیق کیا نوری درمورد بهبود زندگی زحمتکشان گفت، مسئله دیگری، کسه مسئله چهارم است، مسئله جهبود زندگی زحمتکشان است. در اینجا صا معتقد هستمبرکه دولت باید این مسئلهٔ دا حلکند، پننی واقعاً تنهیر بنیادی بوجود بهاورد در وضع طبقه کارگس، در استفاده طبقه کارگر از تروت عمومی کشور واز شیوه ومیزانی که او بایست برداشت بکند، اینکه به چه شکل آنها میتوانند صاحبکار خودشان بشوند.در این زمینه ها به هیجوجه نقشه صریحی وجود ندادد . در مسئله ارضى وكشاوردي ، دوات هيچ چيز بنيادي تا بحال پيشنهاد نکرده است. در حالمیکه دهقانان ۴۰ جمعیت ایران را درس میگیرند. به عقیده ما اینکه ما برویم درده به لوله کشی کمك میموردن به نامیده ها ایسته ما برویم درده به توسیدی کنیم وحیام بسازیسم و در شرایطی، با جهاد سازلدگی، مدرسه بسازیم، اینها کار مثبتی است، کاری است که مورد تالمید است. نبیتود از همچکدام از اینها ایرادگسرفت. ما هم با تمام قوا از آن بفتهها نی خواهیم کرد. ولی این حل مسئله نیست. مثل این است که ما بگولیم که در مسئله کردستان حالا ۴۰۰میلیون این است نه ما بدوتهم نه در مستله دردستان خالا ۱۰۰ مهمهمون تومان بین کردها تقسیم کنیم. خوب، بالاخره این از فقی آنها خواهدکاست. ۱۰۰۰ میلیون تومان دا اکس سرانه بین کردها تقسیم کنیم، خیوب، آب و آبگوشتی، پلوفسی یکدفهه خواهند خورد، ولی این مسئله کسردستان دا حسل نمیکند. در مسئله ارشی، در مسئله دهتا نسی، در مسئله کتاورذی هم با این توع ارشی، در مسئله کتاورذی هم با این توع ارض، در مسئله دها نسى، در مسئله کشاوردى هم با آين توخ اقدامان، کمور آخرهام بر نامههائي که اخير اوز ارت کشاوردى، مطرح کرد، پخودى خودکارهاى مشيق مه راند اخجام گيرد. ولي اين بسهارمهدود است واين مطلقاً حل عقب افتادگى دوستاى بايران نيست. راء حلش عبارتست از اصلاحات کامل ارضى به سود دها تان بى زمين و کم زمين اين اول مسئله است. بدون اين اصلا مسئله ارضى ايران قابل حل نيست . دوم عبارتست از حكمهاى همه جانبه دولت براى بالا بردن مطح زندگى و تولید در ده ــ در درجه اول باز بــه دهقانان کم زمین ویی زمین ، به دهقانان خـــرده با ومیانه حال سرم، عبارتست از اینکــه ما مسعله کشاورذی را از عقب مــاندگی کنونیش از راه مکانیزه کردن، از راه استفاده از کود شیمیائی باید از در راه محیوره دردن، او داه استفاده او تود شیمیالی باید از پین ببریم واصولا علی کردن کشاورژی دا بایستی عمومی کرد. باید واقعاً بتوانیم اصول علی دا به تمام اقتصاد کشاورژی مان تعبیم بدهیم. اگراین سه عمل به ترتیب هم انجام فکیرد،مسئله ازخی حل لفدهاست.

درمسفله بهبود زندكى كاركر انوتوسه اقتصاد صنعتى درمستله بهبود زندگی کارگران توصعه اقتصاد مشتقی درایران، متوزعیلی راه بازاست، متوذبه میپنوچه دولت، با وجود دواقدام بزرگی که انجامگرفته، یعنی ملی کرون با تکها وجیده وملی کردن صنایح بسزرائد و بخشی ازمتایی وابسته و مقروض کردیگری افعام نداده، تازه این دو الدام خه وسط زمین و آسمان مانده است. یعنی یائ کاری انجام شده، ولی این کارنا تمام است وجون ناتمام است، هنوز نتیجه اساسی از آن

بايه درصلمه

دنباله سخنان رفیق کیانوری در کنفرانس مطبوعاتی

ما درچنین لحظه هاش معتقد هستیم که اینجا عناصری دخالت دارند (هرمرجعی اگر مدرکی میخواهد، ما حاضریم بدرك صربیم، باهمام جملات واسامی که گفته شده، دراختیار آیها قرار دهیم)، یاروزنامه مالك اشتر، که مال گارد،سلمان ایکر گارد است. ماخواهش میکنیم که دوستان بیایند واین باید دادت مناده در این استان بیایند واین یناله راتحت عنوان «مروری براوضاع کردستان درارتباط با استفلال ایران، بخوانند وباتمام گفته های رهبری انقلاب مفایسه کنند وبهینند که صددرصد مخالف آمست. درتمام مقاله یك کله درباره امریکا نیست، درباره تحریك امریکادر کردستان کله درباره امریکا نیست، درباره تحریك امریکادر کردستان پست، اصلااسمی ازامریکا برده نشده ، البته آن آخرها اسم از صهیونیسم برده شده ، تمام مقاله عبارت از این است که شوروی حریان کردستان رایوجود آورده ، درحالیکه غلخال نماینده امام به آنجا میرود وصریحاً میکوید اینجا چنین چیزی نیست. آقای پروفسور مکری، نماینده امام در حمای تعایده ایم چهانجه غیرود و صریحه میخوید ایمه چنن چیزی نیست. آقای پروفسور مکری، نماینده امام در ادوروی اعلام میکندکه شووری هیچ دخالتی ندارد. نماینده ادام دیهاکستان همین رااعلام میکند. خود امام بـه صراحت میکویدکه در کردستانایران، امریکا وامیریالیسم وصهیونیسم میکویدکه در کردستانایران، امریکا وامیریالیسم وصهیونیسم د که در کردستان ایران، امریکا وامپریالیسم وصهیونیسم که تحریك میکنند. این روزنامه ای است که بنام اسلام

مامعتقديم كه درتمام اين دستكاهها باتمام شدت وحدت عناصر مشغول عمل هشتند

(دراینجا یکی از خبرنگاران خواستار توضیح بیشتری در مورد توافق نامه های نظامی ایران وامریکا شد.)

رفیق کیانوری دراین,باره چنین توضیح داد: «موافقتنامه درباره همکاری تدافعی بین ایران وامریکا». موافقتنامه درباره تجميزات ولوازم دفاعي بين ايران وامريكاء. «دوافتنامه درباده تجهیزات ولوازم دفاعی بین ایران وامریکا»
دوافت نامه مربوط به میسون تطامی ارش بین ایران و
امریکا»، موافقتنامه کمك نظامی بین ایران وامریکا است
(که مال دورانی است که ماپول نداشتیم وامریکا چیزهایی
بعنوان کمك نظامی به ایران میداد) اینها ٤ موافقت نامه
اسل است که ضمیمه قرارداد دوجانیه است، که نابحال در
جیجا منتشر نشده است. تمام تسلط امیریالیسم امریکا دراین
موافقتنامه ها تنسمین شده است ،

سياست جديد دولت افغانستان بهتحكيم اتحاد نيروهاي هوادار سوسياليسم علمي ونيروهاي هوادار اسلام كمك خواهد كرد

دفيق كها نورى درباره تحريكات علمه دولت افنا نستان

باذهم ما باخوشنودي اين مسئلهرا دنبال مهكنيمك مشله تحریکات علیه افغانستان در یك دو هفته اخیر، کهتوطئه امیریالیمم امریکا وصهیونیسم ودارودسته آن درجنوب خیلی بارز شده، درقسمتی از مطبوعات کمی مقب رفته وما امیدوار معتوره ارتسان ارتسان المعتوران واقدا یک شناختی باشد که حتور که این تمادفی نباشد و این و اقدا یک شناختی باشد که جهت اصلی مبارزوما جای ویکر است و آنچا را بایستی یا لهد، ساوال شد، در در ابطه باهمین جریان افغانستان که کنتود، تغییر دهبری در افغانستان دا چگونه تعییر میکنید؛

رفیق کیا نوری پاسن داد، معمولا حزبما، درعهن حال ، استکه دوستنمام احزاب همفکر خود در دنها است ولريك قراردادكاءلا شناخته شدواى، قانون مناسهات بين احزاب رسیت فراددو همر فته محصفه ای و انون مناسبان پیزامخراب است، عدم دخالت در امور یکدیگر. پدنی احراب کمونیستی و کلاگری، احراب خوادار سوسیالهسم علمی در دنیا، کددرجاممهٔ انترنامیو نالهستی احراب کمونیستی و کلاگری همکاری دوستانه ای، دارند، در بین خودشان این قرارداد را کلمار دعسایت مهکنند، بر داده در بین خودشان این قرارداد را کلمار دعسایت مهکنند، در امور دیگری حق ندارند دخالت بکنند. به این جهتاستك ماتنيهرات داخلي رادر افنانستان فتط حؤحرر خلق افغا نستان میدانیم و معتقدیم که این تنهیرات در آنجا، به تنامب مسائلی که برایشان مطرح است، مشکلاتی که برایشان است، انجام میکیرد، بطور عادی، ما از محصول سهاستی که الان رهبری افغانستان در پیش گیرفته، در حل بعضی از فرنجهها، درایجاد محیط آرامتری درافنا نستان. باخوش بیتی خوشحالي استقبال مي كنيم ومعتقديم كه اين قدمها كمك خواهد رد به تمرکز بهشتر قبروهای ملی وخلقی افغانستان ــ اعماز أنها ليكه هوأدار سوسيا ليسم علمي هستند ياآن نيروهاي ملي افنانی که هواوار ابالاماند وزیر پرچ اسلام میارزه میکننده کمك خواهد کرد به اتحاد این نیروها، بسه تحکیم جبهه متحد محلق، کهدر آنجا الان حکومتمهکند. و بهجلوگیری از تحریکات استمادی درافنا نستان ۱ما امیدوارهستیم و ننایج آ نراهپدر آینده خواهیم دید که دراین جهت خواهد بودیانه.

وحدت ایدئولوژیك، سیاسی و سازمانی کنونی در رهبری حزب توده ايران وتمام حزب بيسابقه

عوال شدا آیا در رهبری حزب الحتلاف همت یانه رفیق کها اوری در پاسخ گفت، مَسا فقط با یك تبسم به آن جواب مهدهیم. متاسفیم که این آرزوی بدخواهان خودرا استوالیم بر آورده کنیم و بر آورده نکردهایم. در رهبریخزب دِلشَان مهخــواست چنهن چهزی در حزب نموده ایران بوجود

به مجرد اینکه این کلوب بسته شد ، د بشارتهای ه بسیاری دادند. من از ایران رفته. رفقای دیگر رفشده،خارج شدیم از ایران. حتی یکی آمده بود و به یکی از دوستان، کههر دوز مرا میدید، میگفت، خودم کیاتوری را دیدم که با جمدان در میدان هوائی مهرفت. از این نوع شایعه تا زیاد است. ولی مسلم این است که حزب ، این سیاستی را که اعمال میکند، در عزب ما و در تمام حزب مورد تأييد كلمل است واتحاد نظر کامل در رهبری ودر حزب وجود دارد.

روش سیاسی حزب دمکرات **کردستان با سیاست حزب توده** ايران منطبق نبوده ونيست. حزب تودة ايران فعاليت مستقل سازمانی ختود را در کردستان آغاز خواهد کرد.

سئوال شد، روابط شما بسا حزب دمکرات کردستان چیلوراست ونظرشها درمورد قاسملو دبیر اولکمیته مرکسزی حزب دمكران كردستان چيست؛

رفیق کیا نوری در پاسخ گفت: هما نطور کسه همه شاهد هستند ما تا بحال هیچگونه دوابط رسمی بــاً حزب دمکران کردستان نداشتیم. علت آن عبارت ازیك جریان تاریخیاست سردسان مناسهم مند ان عباری بریت چرپان باریخی است که بین حزب تودهٔ ایران وحزب دمکرات کردستان بوجود آمد، ولی علت مهمتر آن این استک وض میاسی که حزب دمکرات کردستان ایران بیش گرفت ــ چه دردورانمهاچرت، چه در دورانی که درم اق همکاری با جریان انحرافی سالهای ا خیر بارزانی مهکردند. چه درووران بعد از انقلاب درایر ان. با سهاست حزب ما منطبق نبود. و پهمین علت هم درست جند وقت قبل اذاینکه حزب مواجه بامحدودیتهائی شود، ما رسها اُعلام کردیم که دخیری حزب تصمیم گرفته است که فعا لیت مستقل خودش دا در کردستان آغاز کند و این دا طی اعلامیه ای به اطلاع همه رساندیم. یعنیحزبدهکرات کردستان چدات ازحزبها ومیچگونه رابطه سازمانی بین حزب ما و حزب دمکرات کردستان وجود ندارد. البته افراد زیادی هستندکه خودشان را هوادار سیاست حزب ما میدانند ودرداخل حزب دمگرات کردستان شرکت داشتند، چسون حزب ما هنوز در آنجسا فعالیتنمیکرد. ولیدر دورمهای اخیراینها همه جداشدند و به صورت هواداران حزب توده ایران ، کروههای خودشان و کلوبهای خود را درکردستان نشکیل دادند ، مراکز پـخش روزنامه خودشان راداشتند وروزنامه كردىهم كه بزبان كردى ما تدارك ديد، بوديم، بنا بود دربهايدكه بالمحدوديتهاى اخير متوقف شد ، ولى بزودى درخواهد آمد . ما فعاليت مستقل خودمان را درکردستان آغاز خواهیم کرد. به تناسب اینکه حزب دمکرات کردستان سیاست خود را درجهنی تعهین کند که اینجهت با آنچه که ما برای جبهه متحد خلق پیشتهادکردیم، اكر سهاستن باسهاست بيشتهادىما تطبيق كند، ما حاض خواهیم بود همانطور که با احراب دیگسر حاضر به همکاری هستیم باحزب دمکران کردستان همهمکاری کنیم. (در اینجا خبرنگارگفت که این حزب،منحله اعلام

رفیق کهانوری پاسخ داد، ما معتقدیمکه درشرایطآیند، تکامل اوضاع کردستان، احتمال اینکه حزب دمکر ان کردستان هم با تحول سیاسی کسه پیدا خوآهدشد، بازم. شواند فعالیت سیاسی خودرا تجدیست کند،وجود خواهدداشت، مشتهیالیشتنه برآساس مبارفهمسلمانه علمه دولت. تعیتواند یک حزبره، علیه دولت مبارزه مسلمانه کند، وهم حزب علنی باشد. به همین دلیل است که ما بهشنهاد مهکنیم که تمام این مدائل باید دربررسی سیاسی مورد بحث قرارگیرد. همه این مدائل باز است. بامتحله اعلام کردن، یك عزب منحل نمیشود. حزب توده ایران در این مورد رکورد را شكمته است. چندسال منحله بود. ولي منحل نشد. وبالأخر.

متحلدرا از روی اسمئی برداشتند. مهاست یك حزب میتواند دریك دور، نادرست باشد.

ولى آن حزب ميتواند ساستشررا تصحيح كند

وی ما مدیقدیم که خلق کردستان سازمان سیاسی خودش را، غیر از سازمان طراز نویش را، کسه حزب توده ایران است، میتواند داشته باشد. سازمانها و احزاب سهاسی دیگر مى تواند داشته باعد. منجمله حزب دمكر ال كردستان ميتواند به زندگی خودش درچارچوب جمهودی اسلامی ایران ادامسه بدهد و برنامه خودرا دنبال کند. می تواند با احسراب دیگس همکاری کند. همه اینها درچارچوب حل مشکل کردستان قابل برزسی است و نمهشود حالا برایش نسخه نوشت.

سؤال شد، سابقه همکاری حزب توده ایران را باحزب دموكرات كردستان بكوليد.

رفیق کها نوری پاسخ داد،سا بقه همکاری ما ایسن است، حزب دِمگران گردشتان درمردادهاه سال ۱۳۲۴ براساسیك سازمان سیاسی کهنه، کهحزب دکومو له بود. بوسیله و به دهری قاشی محمد، که یکی از در محفا نشرین دهبران محلق کسود در تاریخ خود بود. تشکیل شد. درهمان تاریخ مناسسات بسیار دوستا نه بون حزب ماو حزب دمكر التكسردستان بوجود آمد. جبهه التلافي ازحزب نوده ايران، حزب دمكر التكردستان ، فرقه وَمُكُنَّ أَنْ آَوْرِبَا بِمِانَ وَحَرْبُ إِبِرَانَ بِوجِودَ آمَد ، حَرْبُ إِبِرَانَيُ كه أمر وز اينقدر به إينها فحش ميدهد، در أين جبهه التلافي نه امرور اینمدر به اینها صحت میدهد. در این جبهه انسرمی شرکت کرد. و یکی دیگر هم حزب فرجنگان ، متعلق به ملمون گیلان بوددر این جبهه با هندیگی هیگاری کسردیم تا جریان حیلهٔ ارتباعی به کردستان و آذر با پیمان شروع شد و در ناچه آن احزاب هر دوشان بلافاصله منجله اعلام شدند. ولی حزب ئوده آیران دوسالی ادامه حیات علمی داد. یعنی از سال۱۳۲۵ تا سال ۱۳۲۷، که حزب زا دولت شاه غیر قانونی اعلام کرد. ما دو سال فعالیت علمی داشتهیم. در این دو سال ما امرتجدید

سازمان حزب دمكسرات كسردستان را بعهده كرفتيم ، يعنى فعالهن حزب دمكرات كردستان به حزب توده ايران پيوستند. هما نطور که فرقه دمکرات آذربایجان به حزب توده ایسران پهوست. تا سال ۳۳، تا وقتیکه هجوم ۲۸ مرداد انجام گراف، تا آدموقی وحدت تشکیلانی در ایران بود، یعنی کار تشکیلات حزب دمکرات کردستان در کردستان و تشکیلات فرقه دمکرات آذر با يجاندر آذر با يجان، جزئى بوداز تشكيلات حزب تودة اير ان. وحدث كامل بهنهما وجود داشت وزيرهمين نام فعاليتسازماني انجام ميكرفت. ولى از احاظ تشكيلات جزئي بودند ازحزب تودة ايران. بعد از ٢٨مر دادكه سازمان ما درمجموع خود متدريج متلاشىدد، اين پهوستكىها هم ازبهن رفت. بين حزب تودة أيران وفرة دمكرات آذربا يجان، دريك كنفر انس وحدت توافق شدكه ايندوحزب بيوندكاملي بيداكنند ويك رازمان سیاسی بشوند، که الان وجود دارد. حزب توده ایران هست و ماذمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان، بنام فرق

دمكرات آذر با يجان كارميكند. اللحاظ حزيي، فرقه دمكرات آذربا يجان، كادر آذربا يجانكار مهكند، سازمان إيا لني حزب توده ایران است و تحت دهبری کامل حسیرب توده ایران عمل ٠٩ اين میکند، درمورد حزب دمکر آن کردستان، در سالهای میکنده درمورد حزب دمگرات کردستان، در سالهای و ۱ این وحدت بو جود آبامد و بهجدالی کشید، بدین ترتیب از این تاریخ بعده، یعنی از مال ۱۳۲۲ ببده، مسئله اتحادسازمانی بورحزب دمگرات کسردستان و حزب توده ایران از پین رفت و از لحاظ سیاسی م آنها راه خودشان را پیش گرفتند. آن راهی بود کاما در نمام این دوران با آن موافقی نداشتهم. ما با آنها اختلاف نظرداشتيم وبهاينجاكشهدكه الان ميبينهددرمورد شخص قاسملور ما درمورد اشخاص، تأمدرك مستقيمي نــداشته باشهم، چهزي نميتوانيم بكوليم. قاسملو يك زماني عضو حزب توده ايران بود. ه اخراع شد، بعلت همان روشهای نادرستی که داشت. واین اخراجهم اعلام شد. ناربخ دقیقش را نهیتوانم بگوید، بایستی درحدود ۱۲ سال پیش باشد. درمطبوعات اعلام شده است.

مى يا بد. درايد مورت فقط باموعظه و يندواندرز نمى شوم مردم راعوض

دادرهم فروبکوبید ودر ایندرهم کوبیدن مردم دا شرکت دهید،

آ نوفت میبنید که چگونه رو حیاها عوض می فود. آنگاه مردمی که در تحریب عوامل فسادوقطعر پشههای

ظلم و بدبختی شرکت کرده اند، خود

آمادورا ختن وسازند كيمي كردند

قدرت تحمل وظرفیت فداکاری و صبرانقلابی آنهاافزایش مییابد

وحدت و دمراهی وهمدلی تحقق

وحدت بين روحاني و روشنفكر.

بهن نیروهای مختلف بین اقوام و

هده مردم اما درباره زمینه-ای

وجدت حراني نميزنيد و بسراي

ایجاد آن اقدام نمی کنید. عوامل اختلاف وسوعظن کدامند،

نا اسـول مشتـرك روشن نشود،

محبت أذ اتحاد بيهوده است. آيا

از وحدت حرف مىزنيد.

بيدامي كند.

شما مناسبات بابدای گذشته

ادامه دادد

چگو نهوحدتی مطبو وباچه کسي؟

خواننده «مردم» میل دارد وحق داردکه دست کم باحداقلم همه مطالب وتنها درهمان مرز «حداقل» وتنها بـرای بازتاب مساللی که درجهت عمومی پیشبرد انقلاب است، باآشنائی باآنها روشن بینی بیشتری برای مبارزه درراه پیشبرد انقلاب میدهد، شمارا بخواند نستون جدید «درمطبوعات کشوره دعوت میکنیم. نقل شده دقيقاو كاملا باعقيدة ما تطبيق كند.

> بعد از گذشت شش مساه از پیروزی جنبش، اکنون آردر بحا مردمومشولين امورمتوجهميشوند كمكار والمحدث و انقلاب صرفا که کار یك جنبش و انقلاب صر فا با سرنگون ساختن رژیم گذشته بهامان تعررسد.

> علاقمندی و داشتن همت و اراده عمل برای قبول مسئولیت لازماست، اما چنانکه تجربه ثابت كرد، كافي نمي باشد، حل مداقل جامعه وهدايت يك تحول وانقلاب اجتماعي استمدادها ومهارتهاي دیکریمم لازم دارد که مهمترین آن اولا، بينش وشعور انقلابي و آگاهی برقوانین تنبیرودگرگونی وثانها خصلتها و روحیه انقلابی

انتلاب بالدكر كو في اساسي دساخت جاهمه استكه بالصلاحات كاملا فرق دارد. اصلاحات هم كه بعدودبه تنهيرات سطحى وروبنائى است، احتماع به آگاهی برقواعد تغییر دارد، چەرسد به انقلاب که نهير در بنهادها احت، وزيرورو کردن وساختن نهادهای تاز،است. مىخواهم بهاستقلال اقتصادى سیاسی و فرهنگی برسیم و کلیه وابستگیهای خود را بهاستهمارو امهريا ليسمقطع كنيم وحرف آنراً مى زنيم، اما قواعد آنر انميشناسيم. مى خواھىم ظلم از بين برود، فقرو بهددالتى نابودئود، فساد نباشد، المحراف وكجروى نباشه ، دروغ و تدیلی، خودخواهی و تجاوز و زورگوئی نباشد ، اما چکونکی تحققاین!یدهآلهارامطرینمیکنیم. میخواهیم اختلاف نباشدوهمه در یك صف واحد برای مدف مشترك تلاش كنند، اما اصول و زمینه های وحدت را نمیشناسیم و یا باز

أمى كثيم... ... اكردرانديشة ما انقلاب ... اكردراسيد. همان تنهير دولت وشاء بود، حق مان تنهير دولت وشاء باك انتقال داشتهد بهجيزى جزيك ساده فکر اکلید. در سورایک انتقال قدرت در یک حر کشانقلابی محدود به عوض کسردن روسای ادارات و تحویل گرفتن و قرارتخانه نیست. این نوع افتقال بشرطی

خواندن مطالب میم وجالب همه روزنامه ها. هر تدرهم که لازم باشد . برای همه کس مقدور نیست. نه وقت هست و نسه دوم باسد مردی بر بسیاری از جراید، خبرها ومطالب مهم وجالس نوشته میشود و شخصیتهاودست اندر کاران درزمینه های سیاسی و اقتصادی وفرهنگی وغیره اظهارنظر هائی میکنند و اراکانهای مسئول تصمیمانی رامننشر میسازند که آگاهی بر آمها لازمیت. ازاین اظهارنظرها وموضعگیریها واخبار، که در سایر جراید انشار میبابد، آشنا شود. اینست که ـ بدون ادعای دربر گیری ناگفته روشن است که چنین شرطی وجود ندارد که این نوشته های

خود شماهم بابریدن قطعات روزنامها وفرستادن مطالبی که بنظرتان مهم می آید (منتهی هرچه سریعتر وباذکر دقیق نام نشریه وتاریخ انتشار) میتوانید به ما در تنظیم این ستون یاری

درست است کسه نخواهید اساس رژیمورنظام[جنماعیگذشته را برهم بزنید. جنا نکه اعتقاد و بیششما همین بوده وهست، که بااساسکار نداريد ودقيقا اشكالات به همين دلیل حلنمی دود مسایل هر دوز پیچیده تر می کردد ، زیرا مردم انقلاب كردواند وتنهورات انقلابي دا طالبند.

اذمردم تبعیت و سکوت و

آرامش طلب می کنید و می خواهید که بدون سروصدا به کار جدی سازندگی بیردازند، اما حیجفکر کردواید که چه چوژی و بسرچه اینهای میخواهید بسازیند . سازندگی در اندیشه بسیاری از مسئولين امور همان تجديد بناى نظام كنشتهاست نهساختن نهادهاى تاز، انقلامی. این نوع سازندگی چیزی را عوض نمی کند و کسی برای آن دل نمی دهد ــجوانانو نوده محروم وانقلابي با اين نوع سازندگی که هدفش تجدید بنای ساختمان درهمشکسته ومتزلزل و بوسيدة قبلى احت، موافق نيستند بازندگی انقلابی تعریف ومعنای دیکری دارد۔ اگر هدف ساختن نای تازهای است، جارهای ندارید مگر آنکه بی های بوسید، نظام گذشته را ویران کنید و شالوده نازه افكنيد وبربنيان استوار و جديد ساختمان جامعه انقلابى را

بس شرط اول آن است کسه پایههای ضدمزدمی و ضد اسلامی نظام کهنه بکلی خراب و فمین برای ریختن شالودههای نوآماده وَصَافَ گُرددِ.وامَاشُرطُدوم،بُدنبال اقدام درمرحلهٔ اول شرایطبرای تغییرافکار، روحهها و اخلاقهات راهم میشود، اخلاقورفتار فعلی بسیاری مردم که با کار سازندگی وباتئوی وفدا کاری وصحت عمل وسرعت و یا تقوی و دا ایمی وصحت عبل دوسره -عبل و اینکار وسدافت و یا کرد فتا عشد صیر انقلایی - هم آهنگی تدارد د آلهدیشر آیط اجتماعی اقتصادی و فرهنگی داریم گذشته است اگر آن در آیط باقی بماند، روحیه ها و ا کلافیات مربوط به آنهم ادامه

وحسدت بین سرمسایسه داری که نفع خود را در استثمارکارگر ودرغارت تروتهایملت ووابستکی به بهگانه مسیبیند ، بساکازگر دُحمتکشومردمیکمطالباستنملال وعدالثند، میسر است:آیا وخدت بون مالكي كمميخوادد دههاهزار هکتار اراضی میزارع خود را نگاهدارد و دهقان را استثمار كند، بسا دهقان زحمتكش موسر احد؛ آیا وحدت بین آن لیبرال یا دمکرات ساذنکار و وابسته و جوان انقلابي مسلمان ميسراسد؛ آ ياوحدت بين آن روحاني فرحت طلبويا مرتجع وباىبند بهافكار طلبویا هرتجع ویای بند به انتخر کهن ومنافع شخصی که در انتلاب کارشکنی مسی کرد وامروز مدعی است. با طلبه و یا دوحانی و یا دوشتفکر انقلابی و متعهد میسر . . جو ا ذا نعسلمان ومبارز

ما مى بينته بعضى روحا نيون هنوز هم در مبتای انسدیشه های کهنه و غیر اسلامی خود برای تلاشها و مجاهدتهای عملی وفکری کسانی چون دكتر شريعتى ارزش قائل نیستند و تأثیر فکر و عمل آنها را در تحول وانقسلاب فکری تسل جوان و در اجمدید حوات اسلام اصيل ودرداختن زمينه هاى انقلاب نه فقط نادید. می گیرند که حدی آنرا نفی می کنند. . سخنائی کے بر زبان

ير ادرمان حجت الاسلام سود احمد خميني جاري كرديد، نداي فلبي ميليو نهامردم انقلابي وطنها ود. مردم از دما انتظار دارند که جلوی اقدامات مر نجما نه و مبغيدا تدروحاني نماهار ابكوريد. جامعة روحانيث را تعفيه كنيد ـ ضوابط انقلاب اسلامی را روشن سازيد وبر اساس آن شوا بطدعوث،

به اتحاد کدود. (كوتاه شده اذاهت ١١مهر

دربارهمالكيت

پسازس نگونی رژیم ضدخلقی و دست نشانده سلطنتی اکنون مرحله نوسازی ایران فرا رسیده است و بدین مناسبت بزرگترین مسئله ای که، هم از لحاظ نظری و همم از جهت ملی مطرح است، مسئله مالکیت است مالکیت برابزاد ووسائل توليد.

آدامه مالکیت سرمایه داران وزمینداران بزرك وابسته بامپریالیسم بر ابزار ووسائل تولید، کشورما را عملا درحالت ولى، سأبق نكاه خواهد داشت، ولى الغاى اين مالكيت وايجاد نوع خلقي آن، تاروبود جامعه مطاغوتي، را از هم خواهد گست و یاک جامعه دمردمی، بسراساس منافیح دمستضعفین، و «لبوده های زحمتکش مبردم، بسوجود

كسانهكه باينمةوله بنهادي توجه ميكنند، اذلحاظ عمق و علموت برخورد یکسان نیستند. آنانکه سرنوشت جامعه را وابسته بذهنیات، بروزانقلاب را تصادف وخود انقلاب را یك هرج ومرج وفقط بممنای تخریب میفهمند، درباره بنیاد روابط اجتماعی،یمنی مالکیت نیزتصوری سطحیدارند واسولا میان انتلاب درجاممه و تحول در ما لکیت بر ابزار و وسائل تولید، پیوندی نمی بینند . ما لکیت در نظر آنها فقط بمنا به یك مقولهٔ حقوقی _ قباله ای در جهب، که ۱۰ آذاده است و میتواند فردا به جیب دیگری انتقال یا بد_ مطرح احت. ولی بسیارند کسانی که به کنه مطلب آگاهی دارند و ميدانند كه بدون تحول درمالكيت، جامعه دكر كون نميسود.

ما نیزه یخواهیم به بحث درباره مالکیت. بمثابه یكمقوله اقتصادی و اجتماعی ــ به پهوندیم، نه فقط برای آنکه بــه بحث تفوديك دراين ذمينه بهرداذيم، بلكه بويرم بدين منظوركه اذاين بحث تثوریك نتایج عملی بگیریم، نتایجی که هـماکنون دردستور روزانقلاب ایراناست. برای انکه گفتههای ما برای خوانندگانی هم که با اینگونه مسائلکمتر آشنائی دارند. قابل فهم باشد. ناچار گاهی به توضیح برخی واضحات تن درمهدهیم.

مالكيت برچه چيز اساس جامعه را تشكيل ميدهد؟

برخى اذمتفكران جامعه ما براين عقيده اندكه، همالكيت برائی ارست واصل درسیستم اقتصادی اینست کــه چه کسی و برای چه هدفی تصمیم میگیرد، دولت یاغیر آن...شها حقمالکیت برای چه هدفی تصمیم میگیرد، دولت یاغیر آن...شها حقمالکیت بر کار قائل نیستید، آنوقت میخواهید بــر شیی مالکیت تولید

برسبهل بحث با این برداشت(بآن معنائی که ظاهراً از آن استنباط میشود) باید چند نکته گرهی را یادآورشویم،

اول، نميتوان حق مالكيت بركاد ــو صحيح تر نيروى كارــ قائل نشد واصولا اينحق قابلانكار نيست. درهرجامعهاي مالكيت هم برنیروی کار وجود دارد وهم برشهی. بحث برس وجود ویا عدم وجود مالكيت نيست، بلكه بحث برسرنوع مالكيت است،كهآنهم در گذشته انواع مختلف داشته ودردنیای امروز اساساً دونوع است، مالکیت خصوصی سرمایه داری و مالکیت اجتماعی (و یا همگانی و یا سوسها لیستی). واما مالکیت برچه چهزاساسجامعه را تشکیل

درجامعه سرمایهداری کار کر از لحاظ حقوقیما لك د آزاده و المختار، نیرویکادخویش است و تا چنین نباشد او نمیتواند نیروی كارخود را بهكارفرمـــا بفــروشد. پسچــه عاملي سبب ميشودكه اینشخص دآذاده و دمختار، باسارتکارمزدی واستثمارتن در دهد ونهرویکار وجوهروجود خود را بهکارفرماً بفروشد وبرایاوارزش اضافی وسود تولیدکند؛ علت ویگانه علت این امر آنستکه ابزار ووسائل تولید تحت ما لکیت خصوصی کارفرما قرار دارد و کارگرخود از این ابزار ووسائل محروم است. کارفسرما بسا تکیه براین حق ما لکیت، میان نیرویکار ازطرافی وابزار و وسائل تولید از طرف دیگر سدی میساند . عبور نیرویکار (کارگر) از این سد و دست یافتن به ابزار ووسائل تولید فقطبشرطی ممکن است که مالك نیروی کار (کارگر) شرایط مالك خصوصی ابزار ووسائل تولید (کارفرما) را بهذیرد و نیروی کارخود را بوی بفروشد. آنگاه کارگر، نه بعنوان ممالك نیروی کار، با که ما نند کسی که دیگر این یکانه کالای خودرا اروخته، داخلکارخانه میشود و به ابزار ووسائل تولید می پیوندد و ااینکالای فروخته شده، آنها را برای کارفرما بکار می اندازد. او بااینکار ارزشی تولید میکندکه قسمتی از آن (دستمرد) نصیبخود او میشود وقسمت دیگرش (ارزش اضافی و یاسود) به جیب صاحب

وقتیکه درکارخانهای دهها وصدها وهزارها نفرکارگر باین ترتیبکار بکنند وسود حاصله از رنج همهآنها بهجیب یكنفر ویا چندنفن کارفرما برود. خودبخود طبقات متماین و متضاد یا بعرصه رجود میگذارند. عده قلیلی ثروت رادر دست خود متمر کزمیسازند دلی توده عظیمکارگران جز بساادامه فروش نیرویکار خود، یمنی انباشتن ندوت بازهم بیشتر برای گـروه اول، مهرمماش دیگری مى يا بند. كليه اختلافات اجتماعى، اقتصادى، سهاسى وغير وازاينجا

پس تاروزی که ابزار ووسایل تولید تحت ما لکیت خصوصی قراد دارد، ما لکیتکارگر برنیرویکارش نمیتواند اورا از اسارت کارمزدی واستثمار و بردگی سرمایه نجات دهد.

بس علت العلل تقسيم جامعه به طبقات و پیدایش استثمار و زور کوئی و غارت عبارت است از وجود مالکیت خصوصی برابزار و وسائل تولید

190: اکنون برمیکردیم به اظهار نظر دربار. قسمت دیکر نقل قو لى كه در بالانموده ايم، مشعر بر اينكه، «اصل درسيستم اقتصادى اینست که چه کسی و برای چههدفی تصمیم میگیرد. دولت و یا نمیر

ما باحكميكه تلويحاً در بطن اين نظريه نهفته استكه، بايد ددولت تصمیم بگیرد، و دیرای هدف.مردمی، تصمیم بگیرد، موافق هستیم. ولی آیا کدام شرط و یا شرایط لازم استادولت **قسدرت** تصميم كيرى بسود مردم داشته باشدا درشر أيطى كه ابر اردوسا ال تولید بصورت ما لکیت خصوصی درقیشه سرمایه داران و ذمینداران باشد ، دولتوسهاست وايداولوزي حاكم نيز از آن همان سرمايعداران يذمينداران خواهد بود. وردًا اذ آنان، وكــلا ازآنان، وامرا از آنان وممه دستگاه قدرت در دست آنان. درچنین شرایطی، چنین دولتی نه خواهد خواست ونه خواهدتوانست بزیان آنمان (درواقع دوسی به خواسه رای مواسط و استان خود) و بسود مردم تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی، اگر احها تا پاکوزیر انساندوست و پایگوکیل مههن پرست بخواهد بسود مردم اظهار نظر کند، درمهان منگنه دستگاه جهنمی صاحبان دروزور

در اینجا بجاست ازنظریههای دیگریهم نام بیریم که گرچه عناصر مثبت و درست دربردارند، ولی مطلب اصلی، یعنی مالکیت برابزارووسائل تولیدرا مسکوت میگذارند. مثلاگذته میشود، باید دارزش اضافی و یا سود حاصل از هرفعالیت اقتصادی، پس از اختصاص قسمتی از آن بسرای تنوسه و نسوآوری آن فعالیت و پرداخت سهم جامعه، (بیت المال)، بین نیروی کارکه درآن فعالیت داشتهانسد، تقسیم گردد. در ارزش علمسی ایسن حکم نعیتوان شك كرد ولى بايد باين سنوال پاسخدادكه، حركاه ابزار و وسائل تـوليد (مثلا کارخانه) در مالکیت خصوصی سرمایه دار باشد ، چگونه میتوان سود حاصل از کارخانه را فقط برای توسعه کارخانه، برای جامعه وبرای نیروی کار، یعنی پرداخت مزدکارگران خرج کردو بهما ال کارخانه مهمی نداد؟ مگرصاحب کارخانه بودن تنها برای یك اسم خشك وخالی استویا برای بدست آوردن سود است؛ اگر توزيع سود حاصل ازكارخانه فقط ميان سه بنخش نامبرده در بالأ کاری درست است (که درست است) و نباید سهمی به کارفرما داده شود، دراینصورت وجود کارفرما ومبنای وجودی وی، که مالکیت برکارخانه است، بر ای چیست؛ مگر ارزش اضافی و یا سود تبح تحقق وتبلور اقتصادی مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید نیست؛ بیان مطلب و استدلال را از هرکجا شروع کنیم بالاخــر. باید به طت برسیم و نه اینکه درمملولگیر کنیم، که این کار اهل

درباره مالکیت مشروع ومشروط در جلساتبررسی مسائل اقتمادی *کشود گفته* شدکه ما لکیت ايد مشروع ومشروط باشد. در لزوم مشروع بودن ما لكيت كمترين ايراد واعتراضي نميتواند وجود داشته باشد. ولي آيا ملكمنقولو بیراد واسمراهی معینوانه وجود داسته باسد. ولی آیا معدامته ولو یا غیرمنقولی که از طریق استثمار دیگران بدست آمده باشد، نیز مشروع است؛ یعنی مثلا اکرشخصی صدنومان مزد و صدتومان قیمت چرم ومیخونخ به یک کارگر کفاش بدهد و پس از مدتی کفش تولیدی را اذكاركر بكيردوآنرا بهقيمت سيصد تومان بنروشد وصدتومان اضافی را بهجیبخود بگذارد. این صدتومان ملے مشروع وی خواهدبود؛ واگر او در آن واحدصدها کارگر راباین ترتیباجیر ساذد وهردوز هزادها تومان سود بدست بهاورد_ این ثروث اوملك

نظريه مشروط بودن مالكيت ظاهرا جوابى است كه بماين سئوالات داده شده وجنبههای مختلف آن بقرار زیر است. 1) عدم تمرکز ثروت در دستجمعی اذ افراد

٢) عدم احتكار

٣) عدم خطر (ما نند ترياك)

٤) عدم نهاز جامعه به كالا ويا جنس معين و غيره... همه این جنبه ها بجای خود درستاست . ولی جدال تاریخی بش علیه ستم وبردكي با اينها حل نميشود. مثلا اكرنه احتكاري و نه ماده مغدر ومسكرى ونه نهازمبرم بهكالاى خاصى دركار باشد وكارفرما از طریق تولید دقانونی، وتوزیع دقانونی، کالای دقانونی، (مثلا چیت وقند و هزارها کالای از این نوع) هزاران کادگر را استثمار کند (که چنین نیز هست) ودرنتیجه بازهم ثروت درقطبی و فقردر قطب ديكر متمركل شود، تكليف جامعه چهخواهد بودا

عمده ترین جنبه مشروط بودن ما لکیت که از جا نب جلسات بررسی پیشنهادگردیده است، هما نااصل عدم تمرکز ثروت در دست جمعی از افراد است، ولی درشرایط دوام وبقای ما لکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید ، هیج تدبیر محدود کننده و مشروط سازندهای علاج درد جامعه را نخواهدکرد. امروز، در کشورهای سرما پهداری غرب، ما شاهد انواع دمجدودسازی هاه ، دمداخلات، و دراهنمائی های، دولت در امور اقتصادی هستیم، از قبیل ، فروش بخشى اذ سهام به كاركران، توزيع قسمتى اذسود كارخا زمها درمهان بخشی از کادگران، وضع ما لیا تهای تصاعدی بر کادفرمایان وغیر.. ولي چون دمقدس ترين مقدسات، جامعه سرمايمداري، يعني ما لكيت خصوصى برابزار و وسائل توليد باقى است، تقسيم جامعه بعميليونر

و مهلیاردر از سوئی وتوده عظیم خلق مزد بکیر وحقوقبکیر از سوى ديكر نيز همچنان باقي است. كليهٔ تشادهاى جامعه رما يهدارى وانواع بحرانها - تودم و بحران مالی، بحران اشتفال، بعدان انرژی، بحران محیطزیست، استعماد و استعمار تو، جنك طلبی، فاشیسم، نژادپرستی وفهره، که بطورمزمن سرتاپای جامعه سرمایهداری را فرا گرفته، عواقبناش از این سیستم و مناسبات اجتماعی حاکم

مسئله مالكيت درموحله كنوني انقلاب ايران

أيتكه دربالامسئله رابا قاطعيت مطرح كرديم، متظورمان فقط اداى يك وظيفه صرفاعلمي بود. خواستيم اين حكم الاحكام جاممه شناسی علمی رابیان کنیم که شکل مالکیت برابزار و وسائل تولید، بنيان اقتصادى واجتماعي هرجامعه ايست وبدون تغيير شكل ايسن مالکیت از خصسوصی بسوی اجتماعی، تحول بنیادی در جامعه

ولى نظر ما اذبحث بالا بهوچوجه اين ثبوده ونيست كه كويا درمرحله کنونی انقلاب ایران و در ایران امروز باید کلمه ما اکیت های خصوصی مصادره و ملی گردد. ما بهیچوجه چنین نظری نداریم و چنین حکمی دا نادرست وزیان بخش میشماریم. امروز جامعه ایران بدرجه معینی اذرشدرسیده و کلیه تدابیری که باید اتخاذ شود، و اذجمله وبوبژه درمسئله مالكهت. بايدباهمين درجه رشد مطابقت داشتهباشد. نميتوان عقبماند ونميتوان بطورتمنس جامعهرا بجلو راند. هردوی این، مضروغلط است. ولی باید درستی حرکت کرد كهدرمرحله ممينى اذتاريخ،مالكيت اجتماعىبر ابزارووسائل توليد برقرار شود. واين بموامل فراواني بستكيدارد.

واما درايران امروزمسطه مالكهت بجهشكليمطرح استو بايدبچه تر تيبي حل شود، براى دادن پاسخ باين سؤال بايد بطور مشخص ممین کردکه چه نوعما لکیتی بودکهرژیم دطاغوت، را بوجود آورده بود، تاروشنشودکه برای برکندن بنهانرژیم دطاغوت، باید کدام نوعما لکیت را ازمهان برداشت وسپس برای ایجاد جامعه مردمی باید چهنوع مالکیت جدید دادر اساس و پایسه جامعه نوین ایران

رژیم محمدرضاشاه منطوع، حکومت سرمایه داران بزرك و زمینداران بزرك وابسته بامهریالیسم بود. این سرمایه داران و زمینداران که خودشاه معلوع و خاندایش درراس آنها قرارداشتده، كروعها وردمعاى معينى اذسرها يعداد انوذميند ادان ديكر دادر اطراف خودگرد آورده، باهزارويك شته، ازقبيل سرمايه با نكي، نو ليدمو نتاژي، دلاًلی وغیره، با انحصارات بزرك كشورهای امپریا لیستی و بویژه امریکارسهیونیستها ارتباط عضوی داشتند. منافع این اقشار دایر الی، بامنافی غارتکر آن امهریا لیستی تلفیق کشته و جوش خورده بود و شراكتاً ايران راميجا پيدند. اين قشرها، ميلماردهاو مهلماردها ثروت كشودرادردست خودقبضه كرده، بحساب قارت كشورو مردم، براى خودیك زندگی افسانهای ایجاد كرده بودند. آنها برای حفاظت و ادامه این اقتدارواین زندگی، خودرا زیربال امیریالسمتجاوزگر کشیده، ازمونی ایران رابراه نظامیکری و تسلیحات بی بندوبار و شرکت در بلوکها و بهما نهای نظامی سوق می دادند و ازسوی دیگریك دستكاه جهنمي دولتى وسياسى وخفقانساواكي رستاخيزي أيجساد كـرده، كوچكترين اعتراض به اوضاع را باآتش و خون خله

با توجه بشرح فوق، وظهفه عمده انقلاب درمرحله كنوني، بنظرها، روشناست. وآناينستكه، بايد مالكيت همهسرما يهدادان بزرك و زمينداران بزرك وابسته بامهريا ليسم دركليه رشتهماى صنعتی، کشاورزی، بانکی، بازرگانی، خدمات، بهمه، دامداری و غیره ملنی وملی گرددو کلیه خوابط و فروعات سهاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ونظامی ناشی از این نوع مالکیت ازمهان برداشته شود باالفای این نوعمالکیتحاوشوابط وفروعاتآن، رك حهاتسی طبقات طاغونی و مناسبات اجتماعی طاغوتی بریده خواهد شد ورد واقع فقط آنوقت است که خواهیم توانست بگوئیم که، نظام طافوتی بمعنای واقعی کلمه ازمیان رفتهاست.

واما چهچیزی را باید جانشین ایننوع مالکیت ساخت: بعقیدهما از مجموع این مالکیتهای ملی شده ومالکیت دولتی، که از قبل موجود است، بايد يك بخش مستقل ونيرومند ما لكيتواقتصاد دولتي أيجاد كرد، أين بخش ما لكيت واقتصاد دولتي بايد طبق بك مديريت وبر نامدريزي علمي ودمكر الهك، برپايه حفظ و تحكمهم

استقلال اقتصادی وسیاسی کشور و ترقی و دفاه، جامعه اداره شود. درصور تیکه باکچنین بخش ما لکهت واقتصاد دو لئی (ملی) دمكراتيك ونيرومند وآمربر زندكى اقتصادى و اجتماعي جامعه وجود داشته باشد، بااتکاء برآن میتوان انواع مالکیتهای خصوصی متوسط و کوچك را، که باقی خواهند ماند، از طرفی دمعدود، و مصروط، کرد وانطرف دیگر، درصورت لزوم، از آنها پشتیبانی نمود. وبه آنها کمك کرد. بهترين طريقة اداره ما اكيت هاى خصوصى متوسط و بويژه کوچك، متدر کرومتحد ساختن آنها بصورت ما لکيت های تماونی است. این سیستم اقتصادی باید نهادهای سیاسی مطابق باخودرا نیز بوجود بیاورد، که خودبحث دیگریست. جامعهای که براساس اصول کلی فوق بنیاد شود، جامعهای

خواهد بود انسانی و مردمی آن جامعه ایست که ایران امروز الزاماً بدان نیازمند است و یکانه راه نجات واقعی وقطعی ایران از نظام طاغوتی است. چنین جامعهای نمیتواند فسادپرور و تسهاهسی آور و اختناق آفرین باشد.

نام چنین جامعه ای چیست؛ ماما نند آن دوستانی که برروی دانگوره ودعنب، و داوزوم، بحث ودعوا میکردند، بررویکلمان واصطلاحات بحث ودعوا نمیکنیم. بگذارجمهوری اسلامی ایسران راه را برای ایجاد یك جنین جامعهای بكشاید. نام آنرا هرچــه بگذارند، توجعها بهمحتوی خواهد بود.

شبنم:باچشماني نابيناودلي بينا

شبنم: ایندخترك ۲ اساله، باسیمالی دلپدیرو جداب، باصفا وطراوت شبنم سپیده دم بهاری، لاغر اندام وموزون، صورت کشیده خود را، که با تبسمی دلیدیر نقشبندی شده است، بسوی مخاطب خسود برميگرداند. تاباونزديك نشويد، نميتوانيدحدسبزنيد که او نابیناست. ولی او، با چشمدلی که بهناورتر از دریاست، ترامیبیند.

گفتارش مانندسیمایش کیرا وجداب بسود. با كشاده روئى وصداقت اذخانواده اش، كهوى كنهافره تودهای آنست، از دوستانش که باو صمیمانیه مهر ميورزند، ازمحيط كاروفعاليتش صحبتميكرد.

در آغازسال، پدرش مبلنیباوعیدی دادهبود.او تصمیم گرفت اینمبلغ تاچیزرا، بمثابه سرمایه اولیه، بقول خوش دبرندبهصندوق. هیچمصرفی عالمیتر وشادی،بخشتر از آن نیافته بود، کهچونصندوق بحد کافی پرشد، آنرا بهحزیش اهداء کند. این نیت خودرابا دوستانش درمیان نهاد واز آن بساووعدهاى ديكرازاين دوستان يك رنك، كه اجراى خواستاو برایشان شادی بخش بود، کوشیدند از مصارف روزانه بکاهند ومبلغ صرفه جوثى شدورا دبر نند بصندوق.

مهكفت، دمن به شكلات علاقه دارم. دوستا نمكه اينرا مهدانند، پول روى م ميكذارند ويك جميه شكلات براى من سخرند تامن آنچەراكە خودىمبايد ازاينبابتبهردازم بزنم مسندوق». اینعبارت را دوست میداشت و باعلاقه آنــرا تکرارمیکرد. هحالا مجموع پولی را که زدمام بسندوق، آورد. ام به صندوق حزب تقدیم کتم. «

ازاومهپرسم، چەچىز باعث شدەاست كە توددوستانت ازمصارف روزانه برای حزب سرفهجوئی کنیده درصورتش خون مینشهند و آنرا کلکون میساند. با تبسمی شادمانه

دعلاقهام بحزيم، كه آنرا متعلق بخودم ميدانم. من بدوچین عشق مهورزم، بحز به و به تحصیلاته. آخر فعا لیت تحصیلی لازمه فعالیت مهاسی است. هرچه بهشتر بدانه، اهمیت حزبم برایم روشن ترمیشود، آخر این حزب من است که بایدیکی از بایه گذاران جاممه خوشبخت برای میهن ما باشد. ، ربا فرور

انتهجه عشق من به کار تحصیلی معدلی است که امسال آوردم، ۱۱۹/۵۸ نتیجه علاقهام بحزب، این صندوق است که باکمك دوستانم،هدیه ناچیزی برای حزیم در آن جمع آوری

نام شینم، بعنوان یك شاعر برایما آشنا است. اذ و میبرسم ، آیا شعر تازمای ندادید؛ جواب مهدهد، دچرا اما فکرمیکنہ باید مقداری رویشمرهایم کارکنہ تا بیشتر قابل چاپ باشد. داستان مهمینویسم. وسهس ورقه های مخصوص نا بهنایان راجلو دستش می گذارد و با لبس کردن آنها قسمتی از داستانی را بنام «کربه ها وکهواره ها» میخوانسد. ولسی می گوید، ددوستان صمیمی من توصیه میکنند بیشتر بسکار شعرهایم بهردازم.»

امینکه محتوی صندوق شمررده میشرود، با تسبسم

اصندوقم را بمن پسبدهید، آخر میخواهمبازخودم ودوستانم پولهائیکه صرفهجوئی میکنیم، بزنیم بصندوق، و اضافه میکند، «امیدوارم این هدیه ناچیز،کمکی باشد به گوشهای از احتیاجات حزب.۵

باوميكوئيم كهاين هديه براى حزب، ارزش فوق الماده دارد. این نشان ضربان قلبهای پاکی استکه بخاطر حزب

و آرما نهای حزب میزنند. جواب میدهده ددرست است. زیرا آرما نهای حزب همه انسانی است. حمة راز شادمائي انسانهارا بمانمايان ميسادد. منهمانسانها

گفته هایش، که هنوز آثار شیرینی بیان کودکی راحفظ کرده، دلهای مادامیلرزاند. اوصندوق را میکیردومیکوید، ومبلغ ديكرى جمع آورى وآماده شده كه منعظس بدست من برسد، تا آندا بهاورم.»

ازمحیطکارش مههرسم. آثار اندوهی در سیمایشظاهر

میرود. و در دارند. آخر یك انسان نابیناهم حق دارد بتواند بخواند و بفهمد. مسا یك انسان نابیناهم حق دارد بتواند بخواند و بفهمد. مسا حلا باتمام نیروی خود تلاش میكئیم كتابخانه مخصصوص نابینایان را تأسیس کنیم.» برای او آرزوی موفقیت میکنم. باتفاق عزیزترین

ونزديكترين دوستش، پروين، باما، باميد ديدار نزديسك،

گفته اورا در دل تکرارمی کنم، تنها حزبس کسه آرمانهایش مردمی و انسانی است می تواند این وجدانهای پال را به سوی خود جلب کند.

درباره مصوبات مجلس خبرکان (۷)

بهبررسي مواد مصوبهقانون اساسي ادامه ميدهيم

سلسله مقالاتی که تاکنون دردمردم، پیرامون مصوبات مجلس خبرگان خواندهاید، نتایج کارهای ابیش از یاکماه و لیمهی این مجلس و کرایشهای حاکم برآن را موردبررسی فرارداد وبین مواد تصویب شده وآنچه کسه در خردادماه، بنام پیش لویس قانون اساسی بمردم عرضه شده بود، مقایسه بعمل آورد وضمنا پیشنهادها ونظریات حزب مارالیز درموارد مختلف باذ كوكرد. تاكنون درواقع اصول مربوط به پنج فصل به ترکیب تصویب آنها بررسی كرديم. از اين ببعد فصل تازهای که مربوط بهقوه مقننه، ودر آغاز تعیین وظایف و حقوق مجلس شورای ملی است، مطرح مهکردد. برخی از نخستین مواد اینفصل، مانند اصل ۴۸، درباره مدت دوره نمایندگی و ترکیب انتخاب رئیس وهیئت رئیسه وغیره، کسه مسائل اجرائی وشیوه کار مجلس شور است و درواقع مسئله ای نبود، بسرعت تصویب شد.

اما یك مسئله اصلی که جایشهم در همین اصول اولیه فصل پنچم بود وحزب.ها توجه رابآن جَلَبُکُرد.بود. یعنی طُرز انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی مسکوت ماند.

حزب توده آیران در پیشتهآدهای خود بضمیمه نامه جهیمت دولت متذکر شده بودکه حکم زیرین دراین فعل واردگردد:

«کرسیهای نمایندگیمجلس درسطح کشور وشوراها، ت آرائی که بهریك از سازمانها واحزاب شرکت كننده درانتخابات داده شده است، توزیع میشود،.

یك چنین حکمی میتوانست در قانون اساسی تضمینی باشد براى تحكيم شالودهاى حكومت مردم ودمكراسي وانعكاس نظرهمه نیروهاً وسیاسی واجتماعی. مثلا اگربرای انتخابات شورایده نفری شهرمشهد، یك حزب ۶۰ درصد آراء و دوحزب دیگر هریك ۲۰ ٪آراء را آوردند ، مطابق سیستم فعلی ، تمام کرسیها متعلق بحز بی است که اکثریت دارد، یعنی با ۴۰ آراء، ۱۰۰ ک کرسیها را میگیرد. ولی درصورت قبول پیشتهادما، آراء و نظریات توده مردمی که به نسبت ۲۰ / به دو کروه دیگر رأی داده اند، درست بهمان نسبت، منعکس میشد، یعنی حزب حـا از اکثریت و ۴٪، شش عضو و آن دو حزب دیگر هریك دوعشو در شورای شهر مشهد میداشتند. و این المبته دمكراتيك تر بود و مستقيم تر و درست تر نظر وخواست توده مردم را منمکس میکرد. همینطور است در سطح کشوری ودرمورد مجلس شورای ملی، که ترکیب مجلس در آنصورت میتوانست بازتا بی باشه از تناسب واقعی قوای اجتماعی وسیاسی. چنین نحوهای جلوی المصارطلبيها وحق كشيها را ميكرفت و شرايط را براى مشاركت همه طرفداران انقلاب وپیشرفت کشور فراههمیساخت. متأسفا نه این بيشنهاد تاكنون درمجلس خبركان موردتوجه قرار نكرفته درمواد

ربحث مواد مربوط به قوه مقننه، بار دیگر تناقضا تی کــه ناشى اذاعمال فشاركروه نيرومنه درون مجلسخبركان است،علني شه ومنجر بـآنگردید که بسیاری ازمواد بموقع بتصویب نرسه و معوق بماند. مثلا بد نیست برای آگاهی به طرزکار مجلس خبرگان وشیو. عملیکه بر آن حاکماست، جریان بحث **اصل ۵**۱ دا دنبال كنيم تا ببهشهم آنجه كه يكي اذنها يندكان درخود مجلس خبركان دكروه سايه، ناميدهاست، چكونه عمل مهكند.

صبح یك روز، در كمیسیون، متن اصل ۵۱ تهیه میشودروی آن بحث میشود و به تصویب میرسد وقر ارمیشود که بمدازظهر این متن به جلسه عمومی مجلس خبر کان عرضه شود و تصویب کردد. اما درجلسه ءانی بمدازظهر، متن دیگسری۔ سوای آنچیزیکه ص ربسه دسی بمدارهها، متن دیگسری سوای الچیزیکه صبح همانروز تهیه وتصویب شده بود. خوانده میشود. این متن، با آنچه كهكميسيون چند ساعت قبل تصويب كردهبود، فسرق داشت وهمين امرموجب شدکه اصل۵۱، بقول روزنامه انقلاب اسلامی، بـه یکی ازجنجالی ترین اصول مطروحه بدل شود. مملوم نشدکه از فاصله صبح تاظهر، ازفاصله كميسيون تا جلسه علتي، ازفاصله طبقه اول و دوم عمارت، چه کسی وچــه نیروئی متن مصوبه را تغییر داد ومتن تازمای را تهیه کرد و بجلسه علنی تقدیم کرد. در جلسه علنی حتی یك نفرتغییرمتن پیشنهادی كمیسیون را عمل دحرام، توصیف كرد ودیگران نیز باینطرز عمل اعتراض کردند وبرای همگانجریان اصل ۵۱ مشتی شد نمو نه خروار. از قرار معلوم حتی رئیس مجلس هم از چکو نکی ثنییں بی خبر بوده ورسما در خود جلسه علای، اظهسار بى اطلاعي كرده است

اصل ٥٣، كــه مربوط بــه متن قسمنامه نمايند كان است، تقريباً همان متن پيش نويس است كمه تصويب شد. منتهى جريان تنييراتي كه درمتن پيش نويس بميل آمد، درجريان مقايسه بهنمتن پیش تویس ومعن مصوبه روشن کننده است.

درمتن قبلی دو ننهیر عبده رویدادهاست. اول اینکه درمتن پیش نویس نماینده مجلس، پس از خداوند و قرآن، به شرف انسانی خویش نیزسو گندمیخورد که تمهدائی را بانجام برساند. اما درمتن ی، سوگند، به خدای قادرمتمال است در برا بر قران کریم ویس ازآن با دتکیه بر شرف انسانی، تعهد انجام میگیرد. تغییر دوم تکه، علاوه برمطالبی که درسوگندنامه قبلی بسود و منجمله دنگاهبانی از _{دست}اوردهای انقلاب اسلامسی و مبانسی جه اسلامی، و ا در برمهکیرفت، عبارت دیاسدار حریم اسلام، نیز اضافه

دراینجا نیز آشکار است که علاقه بتظاهر به ۱ اسلامی کردن، ازجانب گروه نیرومند مجلس خبر گان، موجب شد مطا این که نالازم است اضافه شود. نگاهبانی ازدستاوردهای انقلاب و همچنین دفاع ازمهانی جمهوری اسلامی بیشك وظیقه هرنماینده مجلس است. ولی بجای آنکه درسو کندنامه مطالبی نظیر دفساع از استقلال مههن و

آذادیهای دمکراتیك تصریح شود، عبارتی اضافه شده، که مسئله ای را روشن میکند. اگرگفته شود که ایسن استقلال و آذادی در همان دستاوردها كنجانيده شده ونهازى بتصريح دوبساره ندارد، ميتوان پاسخ دادكه بطريق اولى بهمان دليل اضافه كردن پاسدارى از حريم اسلام نیز ضرورتی نداشت، بویژه که حتی نمایندگان اقلیتهای مذهبی فيرمسلمان نيزموظفته ايسنعبادت رآ بكويته وبنويسته وفقط در ىتن سوگندنامەشان نامكتاب آسمانى آ،ھا فىرق خواھدكرد. حـالا چگونه یك نمایند. مثلا آشودی باید ازحریم اسلام پاسداری كند مملوم نیست. درحالیكه روشن است كه وی باید ازمبانی جمهوری اسلامی ودستاوردهای انقلاب نگاهبانی كند.

اصل ۵۵، که دلیس جمهور ووزیران را محق یا مکلف محضور در جلسات مجلس میکند (در پیش نویس تنها وزیران و نخستوزیر) واصل ۵۹ در موردحدود اختیار مجلس شورا بهوضع

قانون، نظیر همان من پیشنویس تصویب شد. اصل ۵۷ فعلی، که درپیش نویس اصل ۶۶ بود، که دراین باره است که مجلس حق نسدارد قوانین مخالف با اسلام وضع کند. ولی باز هم در همان روح تظاهر و بقولی سفت کردن پیچ ومهر دها ، که باز هم مسئلهای را حلنمیکند و گرهی را نمیکشاید، تغییراتی وارد شده است. در پیشنویس، که آنرا هم آسلام شناسان نوشته بودند وفقها تائيدكرده بودند ، مغايرت با داصول مسلم اسلام، منع شده بود. در حالیکه در متن مصوبه مجلس خبرگـــان، «اصول وآحکام **هدهب** رسمی، قید شده، که مطابق مادهقبلی، مذهب رسمی، مذه. شيمه أعلام شده است تفاوت بين «اصول مسلم» وداصول واحكام، اذ بكطرف و السلام، يا همذهب رسمى، از طرف ديگر البته تفاوتيست كه از نظر ميليونها ايرانى مسلمان غير شيعه بسى اهميت نيست . همچنین تشخیص منایر بودن و یا نبودن قوانین با اصول اسلام در بهش نویس بمهده شورای نگهبان قسانون اساسی گذاشته شده بود، آنهم بنا بدرخواست یکسی از مراجع تقاید، یا رئیس جمهور، یا . ئیس دیوانعالی، یا دادستان کل کشور، که فقط در اینصورت شورای نگهبان صلاحیت رسیدگی بقوانین را پیدا میکند. اما درمن زجدید، چنین قیدوشرط نیست وهن قانونی بایداز معاینه وتشخیص بگذرد، آنهم با این تصریح که تشخیص از نظر اسلام بـــا اکثریت فقهای شورای نگهبان و از نظر قانون اساسی با اکثریت همه اعضای آن (یمنی شورای نگهبان) است. بدین ترتیب به بخش معین فقها از شورای نگهبان،که قرار است بجز فقها،صاحبنظران مسائل حقوقی واساتیه وقضاوت را هسم در برگیرد، قدرت خاص ودر واقع وتو کتنده ای داده میشود که حتی از قدرت شورای نگهبان ایز بیشتر و بالاتراست. مثلا رأی سه نفراز مجتهدان پیش بینی شده درشورای نكهبان كافيست كه تمام قانون مصوبه مجلس شورايملي راءكه نماينده همهمردم ایرانست،کان لم یکن نماید. یعنی برآن خط بطلانکشد. از این نظر پیش نویس قبلی، بر نتیجهکار خبرگان رجحانآشکار

این بحث ادامه دارد

دركار خانه وطن اصفهان

این کارخانه سابقه مبارزانی درخشانی دارد . در دوران اختناقآریامهری، اعتصا بهای مکرری در این کارخانه صورت پذیرفت که برخی موفق و بعضی ناموفق ما ند.کارگری می گفت که در ۹سال پیش ، یك اعتصاب ۴۵ دوزه صورت گرفت، که تهاجم وحشیا نه اواك،شهر بانی وحیله های كارفرما، در کارگران موثر نیفتاد، تا سرانجام مماون وزارت کارشخصا به کارخانه آمد وقول داد تا بهخواستهایکارگران رسیدگ كند. بدنبال اين اعتصاب، اعتصا بهاى كوچك و بزرك ديگرى دخداد كه برائر فشار پلیس درهم شکسته شدند.

از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ ، کارفرما به بهانه های گوناگون شروع به اخراج کارگران کرد، بطوریکه در عرض سه سال تعداد ۱۱۰۰ نفر کارگر از کارخانه اخراج شدند اكنون تعداد كادگران شاغل دركارخانه وطن اصفهان ۸۳۰ است، که یكششم آنها را زنان تشکیل میدهند. بیستنفر اذکارگران کمتراز ۱۶ سال دارندکه در سهنوبت کارمیکنند. یك سوم از كارگران مرد دهقانانی هستند كه از روستاهای

پس از انقلاب ، تولید کارخانه نزدیك به ۲۰درسد کاهش یافته، زیرا صدی پانزده ماشینها بملت کمبود مسواد

هنگامیکه حداقل دستمزد کادگران ازطررفوذارت كار به كارفرما ابلاغ شد، كارفرما ۴۰ درصد بربهاى كالأحساى تولیدی کارخانه افزود، یعنی پارچه متری ۷۵ تومان را ب ۱۰۵ تومان رسائید.

وضع غیر بهداشتی کارخانه، کارگران را بشدت نارانس ساخته است. بگفته یکی ازکارگران، هفت نفر از آنها براتر فشار کار دچار کمردرد و پادرد درمان ناپذین شده انسه. یکی از کارشناسان میگفت، کارگران در این سالن حسداکش ۱۰ سال میتوانند دوام بهاورند. قسمتهای دیگر کارخانه نیزدست كبى اذ اين قسبت ندارد.

پساذ انقلاب، کارگران توانستنه دونفر ساواکی را اذ كارخانه اخراج كنند وچند هفته بيشرئيس كارخانسهدا با مدادك كافى بهدادگاه انقلاب تسليم نمايند.

تحليلى ازوضع جهان _قسمت چهارم

صلحوجنك

احسان طبری

جنك، یکی از بلایای زندگی اجتماعی انسانی است که متاسفانه طی چهارقرن اخیر دائما تعداد بیشتری از مردم، بویژه جوانان را، طعمه خویش ساخته است تعداد تلفسات جنگها درقرن هجدهم این تعداد به پنج میلیون و نیم رسید. درقرن نوزدهم جنگها ، پنج میلیون و هفتصد هزارنفر رابه کاممرك فرستادند. درقرن بیستم جنگهای بسیار درخداد، که هنوز آمار جمعی آن دردست نیست، ولی تنهادر نخستین جنگ جهنوز آمار جمعی آن دردست نیست، دوم جهانی تلفات بنج میلیون و در جنك دوم جهانی تلفات پنجان میلیون و در جنك دوم جهانی تلفات پنجاه میلیون بوده. هنوز قرن بهایان نرسیده و لهیب جنگها فروننشسته است.

اکنون سالانه درجهان چهارصدمیلیارد دلارصرف تسلیحات میشود، میگویند ذخیره بمباتمی وهستهای بحدی است که با آن میتوان بهستباد بشریت را نابود کرد، جنك هستهای امروزین طی چندساعتمیتواند دومیلیاردونیم نفررا نابود کند. یمنی جنك، که همیشه پلید بود، همیشه از سفاهتهای عظیم وجنایتهای کبیر بود، اینك سرایا به بزرگترین دیوانگیها تبدیل شده است.

با چهارصد میلیارددلاری کهدرسال سرف شلیحات گران و ماوراء گران میشود، میشودطی یکدهه چهره جغرافیائی جهسان را تغییرداد، باگرستگی و بیماری و بیسوادی نبردی ریشه سوز کرد. دشواری مسکنوارتباط و آبوبرق رابرای جهانیان، بسویژه در بخشهای عقبمانده امریکای لاتین، افریقا و آسیا، تا حدود زیادی تغییف داد. و لمی شربجای آنکه چنین کند، بهترین دانشهندان و مهندسین و تکنسینهاو کار گرانمتخصص و کتا بخانه و آزمایشگاهها و ویژوهشگاهها و صنایع عظیم برق و الکترونیك و فلو و شهیی و بهترین نیروی پر انرژی را، که بصورت سربازوردر جدار و افسردر آمده اند، نیروی پر انرژی را، که بصورت سربازوردر جدار و افسردر آمده اند، در خدمت غول جنك گذاشته است. این غول، بی اغراق نیمی از در آمد ملی را به نحو مستقیم میبلدد، تا آنکه ساطور مهیبی را

برفراز سرانسانیت معلقنگاه دارد. جرا۱ آخربرای چه؛ گناه از کیست؛ گناه، دریك کلمه، ازامپریالیسم است.

کشودهای سوسیا لیستی درجنگ سودی ندار ند درست برعکس آنها آرزومند روزی هستد که بار کهرشکن مسا بقه تسلیحا تی داازدوش بها آرزومند روزی هستد که بار کهرشکن مسا بقه تسلیحا تی داازدوش بهافکنند و در آمدهای عظیم دا صرف بهازی طبیعی و اجتماعی سازند و چهرهٔ تمدن نورا معجلی کنند. کشورهای نیز جنین نمیخواهند. آنها آرزومند روزی هستند که کشورهای صنعتی از این دیوانگی دست بردارند و بکمك آنها بشتابند ، تا آنها برعقب ماندگی تاریخی خویش غلبه کنند. این تنها کشورهای امهریا ایستی هستند که دنظامی کردن اقتصاده دا بیکی از نسخههای مؤثر درمان تنگی باز ارسرما یا داری بدل ساخته اند و با ایجاد یك بازار جند صدمیلها دری اسلحه، چرخهای اقتصاد خود رامیگردانند.

دو لتهای، امهریا لیستی تحت، نوان و خطرگ مونیسم برای جهان آذاداه، دتهدید نیم کرمجنوبی علیه نیمکره شمالی، وانواع دروفهای متقلبا نه دیگر ، مردم خود را مهترسانند و آنها زا به پرداخت ما لیا تهایسنگین وا میدارند وسپس این ما لیا تها به بودجه نظامی دو لتهای سرمایه داری بدلمهشود و آن بودجه چرخ موسسات غول یمکری ما نند گرونهن، لالهید، داینامیکس و دهها امثال آنرا بحرکت درمیآ وردویك بازار موهومی از توپها، تا نکها، هواپیماها، ندر در با بی ها موضکها، کشتیها ، زره پوشها، مسلسلها، توربارها وغیره وغیره و نیما

نظام اجتماعی دمیدم ماشین جنگی را کلانتر میکند. سرمایدداری بدون غارت، جهان سومه وبدون دبازار موهومی تسلیحاتی» حتی یکساعت نمیتواندزندگی کند.

افتادن درمناك فنا محفوظ دارد، (ولازمه این كاربرچیدن بساطشد انسانی سرمایدداری است) و یا بایدچشم براه همه گونه فلاكت و فاجمه ای بود. جنك وسلاح جنگی اكنون بآن درجه از مركباری رسیده است كه حتی اندیشه استفاده آن درمقیاسهای بزرك تنها و تنها یك تبه كاری است و فه یك سیاست.

کشورهای سوسیا ایستی آذروز فندست پیدایش خود نسدای وسلم، را بلند کردند. آنها به کشورهای سرمایسه داری گفتند، آنها به کشورهای سرمایسه داری گفتند، آنها به کشورهای سرمایسه داری کسفت به آقایان خواه این برای کشیا مطلوب باشد، یا نباشد، جهان بسعت مسستم اجتماعی اقتصادی تقسیم شده است. این دوسیستم متشاد است. مادر عصر سلاحهای اتمهاک هسته ای وهشکهای برنده این سلاحها فرندگی میکنیم. اگر بخواهیم این تضاد برن تالاافل فلاکتهای عظیم در این دریك مسابقه تسلیحاتی، بلکه السانها تصنیم بگیر ند کدام سیستم بهتر است. و تاموقی که آنها تسمیم آذادانه خوددا نگرفته اند، ماهر کدام سعی کنیم تمامزایای تسمیم خوددا برخلقها افشاء کنیم (اگر درواقع چنین مزایسائی سیستم خوددا برخلقها افشاء کنیم (اگر درواقع چنین مزایسائی داریم، مردم طی زمان، دوسال، بیستمال، سیسال، بالاخره نتیجه گیری می کنند وبااراده آذاد خود یکی اذدوسیستم را برمهگزینند. وزندگی را ایمن وصرفه میسازد.

این آئین بادکترین، که اصل همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اقتصادی واجتماعی ومسابقه صلح آمیز بین این سیستمها ام گرفته، شمتمال است ازطرف نخستین کشود سوسالیستی جهان تکراد میشود. ولی این سخنان نهفتل آقایان محترم دا درلندن، واشنکتن، پاریس، بنوتو کیو راشی نکسرد و بوجدنها ورد، بلکه فوق الماده خشمگین ساخت، وتبلیفان کمونیستی، وخریب یا بقول لو نرمملوم الحال دبیر کل سابق پیمان آنلاتیا شهالی، مشوروی میخواهد بدون خالی کردن یاک گلوله جهان آزاد را تصرف

امهریا لیسم درمقابل دکترین همزیستی مسالمت آمیسز و مسابقه مسالمت آمیزه، دکترین همزیستی مسالمت آمیزه، دکترین وجنگ سرده (و این اواخر وسلع سرده (ا) اختیار کرد. ماحصل این نظریه که وینستون چرچیل و جان فوستر دالس بنهان گذاران آن بودند، این است که، نه اتشاد وجهان آذاده و وجهان کمونیستی، حاشدنی نیست. درستاست که ما نیست. سلیحات کنیما این برایما بازار است و برای شما فشار. مدتی درجهان مسلع، درجهان دجنگ سرده زندگی کنیم. ما باشما وازموضی قدرت، روبرو میشویم و کوشش می کنیم شمارا از درون یوگ سازیم و بساط شمارا در هم ریزیم، این تنها راهی است که می توانیم برویم و خواهیم رفت.

اذسال ۱۹۴۹، باتشکول پیمان آتلانتها شهالی، این جریان شروعشد، مراسم تشکول او باشکوه تمام در واشتگتن بسرگزار گردید، کار ترجندی پیش با تکرار این مراسم (دردنها فی بکلی دگر کونشده) خوابت به دکترین فرتون دجنك سره جان بدهد، ولی می گویند، تاریخ دو بارتکرار مهشود، یك بار جدی و ترازیك، باردیکر پوات دکمیك، این باردوم (یمنی جلسه چندی پیش نا تو در داشتگتن) از آن دکمدی هاه بود، نطق اجویت، نخستوزیر ترکیه (ترکیه ای که ذما تی برای دالی سرباز به چنك کره مهفرستاد) درباره آنکه کشورهای سوسهالیستی صلح را تهدید نمیکنند، مشت، محکمی بردهان یاوه سرای یاران جنگ سردبود، روزگاردگر گون شده است بردهان در بازن دگر گون شده است

بادی انسال ۱۹۴۹ جناسرد آغاز شد. امریکا با ایجاد پیمانهای نظامی تجاوزکار تا تو، ستو، سیو، آنروس، با ایجاد رزیههای ددمنش محمد رضا، تروخیلو، سیناکمانری، لون نول، و ان تیو، چا نکایشک، ساموزاد گرازهای متعنی از این قبیل، با براه انداختن کودتا علیه آربنس در گواتبالا، علیه مصدق در ایران، علیه لوموجها در کنگو، علیه موکار نو در اندو نزی، علیه قوام نکرومه در غنا، علیه کوادرسرد برزیل، علیه آلنه در کنگو، علیه مجیب الرحمن در بنگلادش، با ایجاد جنگهای محلی در کنگو، کره، مارتی نیاک لبنان، خاورمیانه، هندوچین وغیره، یکی از قار یکترین فصول لبنان، خاورمیانه، هندوچین وغیره، یکی از قار یکترین فصول تاریخ انسانی و ایوجود آورد؛ فسل جناکسرد، ضل مرك و شکنجه و استبداد و توطئه و دلهره، ضلی فوق الماده عهیب و فوق الماده غیمانگین و استبداد و توطئه و دلهره، ضلی فوق الماده عهیب و فوق الماده غیمانکین

در شماره آینده :

در سماره ۱ینده : بخش دوم «صلحوجنك» وپایان بحث

آبتاللهخبروشاهی مفت: نمیگذارند مابطور انقلابی آن هدفی که داریم انجام بدهیم

آیتالله خسروشاهی، رئیس بنیاد مسکن در گفتگوئی، درمورد چگونگی حل مشکل مسکن واینکه مردم زحمتکشما حق دارند ازائقلابی که برای آن جائفشائی کرده وخوابها دادهاند، انتظار داشته باشند که درجهت حل مسئله مسکن که یکی از دشواریهای اساسی زندگی آنهاست، بهاقدام قاطع و انقلابی ست زده شود، گفت:

حق هرسلمان است که دارای یك خانهٔ مسكونی باشد، ولی رژیم گذشته وضعی رابوجود آورده بود تاکسی نتواندیك منزل مسكونی برای زندگی کردن داشته باشد ومقررانی که بنام محدوده وخارج از محدوده وضع شده بود، ملت مسلمان مارا ازداشتن این حق محروم نموده بود...

مارا ازداشتن این حق محروم نموده بود...
درسراسر کشور یك میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار بدون
مسکن هستند ودرمقابل آن ساختمانهای زیادی وجود دارد .
منتها مامیخواستیم این ساختمانهارا بطور ضربتی وانقلابی در
اختیار سرم بگذاریم، ولی موانع و مشکلاتی پیش آسده و
نمیگذارند مابطور انقلابی آن هدفی که داریم انجام بدهیم .
کیید قوانین ومقرراتی موجود است که باید مشکلات رارفع
کنیم ومنهم بههیچیك ازاین بهانه ها معتقد نیستم ومعتقدم که
هرچه زودتر بطور انقلابی این قبیل ساکن رادراختیار سردم
بکذاریم وتمام این حرفهائی که میزنند تقریبا ازنظرمن واهی
است، اگر مردم بگذارند، ازفردا انقلابی عمل میکنم. هدفم
اینست که زمستان نرسیده، کسانیکه خانه ندارند، دارای

درمورد دانشجویان که درانقلاب نقش نمایانی ایناکرده وبرای ادامهٔ تحصیل خود بامعضل مسکن دست به گریبان هستند وحق طبیعی آنها اینست که برای ادامه تحصیل خود از نگرانی نان وآب ومسکن رها شوند، آیتاله خسروشاهی گفت: دانشجویانی که ازشهرها به تهران ویامراکز استانهاجهت ادامه تحصیل میروند، میبایستی اطاقی باقیمت مناسب برای آنها درنظر گرفت، چون اگر دانشجو تتواند محل مسکونی برای خود تهیه کند، ازادامهٔ تحصیل بازمیماند.

آیتاله خسروشاهی، بامقایسهٔ پرمفهومی، سخنان خود خاتمه داد :

ددریك كیلومتری قسر شمس پهلوی كه درآن جندین حمام متعدد برای سكها ساخته شده، دهی وجود دارد بنام حسین آبادكه ۲۰ هزار جمعیت دارد و ساكنان آن نامهای نوشتهاند كه حمام ندارند وازبنیاد مسكن درخواست كردند برای آنها حمام ساخته شود.»

تبریك سازمان حزب تودهٔ ایران درشیراز بمناسبت سی وهشتمین سالگرد ناسیس حزب

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب تودهایران: ۱۳۸سال از حیات افتخارآ فرین و سراس تلاش حزب توده ایران میگذرد. حزبما، اینگردان پیشرقراول طبقهکارگر وکلمه رنجبران میهنرما، امروز درشرایطی به حیات خود ادامه میدهدکه جامعه ایران دچار بفرنجی،ها وپهچیدگی،های بسیاراست و انقلاب

ضدامهریا لیستی ودمکرا تیک وخلقی مردم ما نخستین سال پیروزی خود را میگذراند.

مود د. میستند. درتمام دوران ۳۸ساله زندگی خود، حزب تودهٔ ایران با فراز ونشیبهای فراوان روبرو بوده، سهمگین ترین ضربعها را دیده وجانباز ترین میهن دوستان را برای دفاع از آرمانهای مقدس خود ومنافع خلقهای ایران دردامن خویش پرورده و بما و به همرزمان ما، انساندوستی ووطن خواهی را یاد داده است.

سازمان حزب توده آیسران در شهراز، فرخنده روز سی د-هشتمین سالگرد تاسیس حزب پر افتخارخود را به شما رفقای کمینه مرکزی حزب شادباش میگوید و با وفاداری بسراه رهائمی بخش ارانی ها، سیاماته ا، روز به ها و حکمت چوها ، برای رسیدن بسه آرمانهای انسانی ، ملی و توده ای از بنل هیچگونه کوششی دریخ نخواهد کرد.

سازمان حزب توده ایران درشیراز

تصحيح

درشمارهٔ شمتم روز نامه چند سطر از مقالهٔ دنفوذ واعتبار حزب تودهٔ ایران گسترش می یابد، جا افتاده بود که بدینوسیله تمحیح می شود،

 د سهدن آن حتی یك روز از مبارز, وایناد باز نسایستاد، در دوران نوین زندگی پر افتخار خودگام نهاده است. این انتقال بدوران نوین را نباید فقط عبوری در بعد زمان تصور كرد ، بلكه گذاری است كهنی. حزب توده ایران از حالت مخفی بصورت علی در آمد. . .

كمكمالىبه حزب تودة ايران يك وظيفة انقلابي است

هموطنان! رفقا ودوستان!

حوص ربه ویوسی . حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس از سی
سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی وقانونی
خودرا آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف
سنگینی درمبارزه بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی
جامعه ما، دربر ابر حزب قرار دارد، انجام این وظایف ازجمله
بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به حرب
تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاریهای اعضاء ،
هواداران ودوستان حزب دراین زمینه در گذشته غرورانگیز
است، اکنون نیز مااطمینان داریم که اعضاء ، هواداران ،
دوستان وهمه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب

ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رسالد .

کمک مالی را می توان مستقیما به دفتر حزب داد و یا با تلفنهای ۹۳۳۴۵۹،۹۳۳۵۹۳۸ آمادگی خودرا اعلام داشت. از طرف دفتر حزب تر تیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه براین، علاقمندان می توانند کمك مالی خودراییکی ازدوحساب بانکی زیرین بیردازند :

۱- حساب باتکی به نام تتی کرمنش و به شماره ۲۳۳۳، شعبه ۱۲۸۸ بانك ملی ایران ، (شعبه شاه اسماییل صفوی) ، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
 ۲- حساب باتکی شماره ۱۱۸۸ ، شعبه ۱۹۱۹ بانك صادرات

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران باشد